

قانون تجارت

باب اول : تجارت و معاملات تجاری

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

ماده ۲ - معاملات تجاری از قرار ذیل است :

۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۲ - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هرنحوی که باشد.

۳ - هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزمات وغیره .

۴ - تاسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط براین که برای رفع حوائج شخصی نباشد.

۵ - تصدی بعملیات حراجی

۶ - تصدی بهر قسم نمایشگاههای عمومی .

۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانکی

۸ - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری .

۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

ماده ۳ - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود -

۱ - کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها.

۲ - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خودمی نماید.

۳ - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خودمی نماید.

۴ - کلیه معاملات شرکتهای تجاری .

ماده ۴ - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود.

ماده ۵ - کلیه معاملات تجار تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست .

فصل اول دفاتر تجاری

ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت

عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد :

۱ - دفتر روزنامه .

۲ - دفتر کل .

۳ - دفتردار ائی .

۴ - دفتر کپیه .

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادسته تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبل خرید و فروش و ظهر نویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جووه را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را الاقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتردار ائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای واردہ را نیز به ترتیب تاریخ و رودمربت نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ع به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظام نامه وزارت عدیله معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مذبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قراره صدق صفحه با کسر آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت استناد است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصرفی امضاء تسليم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصرفی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عده صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته باقید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را بامهر سربی که وزارت عدیله برای مقصود تهیه می نماید. منگنه کند، لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش

از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و یابین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هرسالی لااقل تا ۱۰ سال نگاه دارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده عو سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتی خود بکار می بردند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجارتی سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ع و ماده ۱۱ مستلزم دویست تاده هزار ریال جزای نقدی است، این مجازات را محکمه حقوق را ساوبدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر را روشن کردد که دفتر مرتب ندارد خواهد بود.

فصل دوم : دفتر ثبت تجارتی

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدیله مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجارتی تاسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسام خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند و الابه جزای نقدی از دویست تاده هزار ریان محکوم خواهد شد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتی را وزارت عدیله با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت بر سرده موجب نظام نامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتی هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حساب ها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و لاعلاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تاده هزار ریال محکوم می شود.

ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدیله تشخیص می شوند.

باب سوم : شرکتهای تجارتی

فصل اول : در اقسام مختلف شرکتهای قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰ - شرکتهای بر هفت قسم است :

۱ - شرکت سهامی .

۲ - شرکت با مسئولیت محدود.

۳ - شرکت تضامنی

۴ - شرکت مختلط غیر سهامی .

۵ - شرکت مختلط سهامی .

۶ - شرکت نسبی .

۷ - شرکت تعاوی تولید و مصرف .

مبخت اول : شرکتهای سهامی عام و خاص

بخش ۱ : تعریف و تشکیل شرکت سهامی

ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست .

ماده ۲ - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولاینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکت‌کاعن‌بای‌دازه نفر کمتر باشد.

ماده ۴ - شرکت سهامی به دونوع تقسیم می شود :

نوع اول - شرکتهایی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. اینگونه شرکتها شرکت سهامی عام نامیده می شوند.

نوع دوم - شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصر اتوسط موسسین تامین گردیده است. اینگونه شرکتها، شرکت سهامی خاص نامیده می شوند.

تصربه - در شرکتهای سهامی عام عبارت "شرکت سهامی عام" در شرکتهای سهامی خاص عبارت "شرکت سهامی خاص" باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بنا نماید در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

ماده ۵ - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال باید کمتر باشد.

در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس بهره علت از حداق مذکور در این ماده کمتر شود باید طرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تامیزان حداقل مقرر اقدام بعمل آیدیا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می تواند انحلال آن را ازدادگاه صلاحیت دارد خواست کند.

هر گاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

ماده ۶ - برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلای بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهار نامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای شهرستانهای دایرہ ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایرہ ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هر گاه قسمتی از تعهدموسسین بصورت غیرنقدباشد باید عین آن یامدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه وضایم آن به مر جع ثبت شرکتهاتسلیم نمایند.

ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده عباید باقید تاریخ به امضاء کلیه موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد.

۱ - نام شرکت .

۲ - هویت کامل واقامتگاه موسسین .

۳ - موضوع شرکت .

۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک .

۵ - تعداد سهام بانام و بی نام و مبلغ اسمی آنها در صورتی که سهام ممتاز نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .

۶ - میزان تعهد هر یک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند با تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجهه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیرنقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیرنقد اطلاع حاصل نمود.

۷ - مرکز اصلی شرکت .

۸ - مدت شرکت .

ماده ۸ - طرح اساسنامه باید باقید تاریخ به امضاء موسسین رسیده و مستلزم بر مطالب زیر باشد :

۱ - نام شرکت .

۲ - موضوع شرکت بطور صريح و منجز.

۳ - مدت شرکت .

۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد.

۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک .

۶ - تعداد سهام بی نام و بانام و مبلغ اسمی آنها در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام .

۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به حال از پنج سال مت加وز نخواهد بود.

۸ - نحوه انتقال سهام بانام .

۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام وبالعکس .

۱۰ - در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه ، ذکر شرایط و ترتیب آن .

۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت .

- ۱۲ - موقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی .
- ۱۳ - مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها .
- ۱۴ - طریقه شورواخذرای اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی .
- ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت ماموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنندیا محجوریا معزول یابه جهات قانونی منوع می گردد .
- ۱۶ - تعیین وظایف وحدو داختیارات مدیران .
- ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند .
- ۱۸ - قیداینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت ماموریت بازرس .
- ۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسليم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه .
- ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن .
- ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه .
- ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده عبایدمشتمل برنکات زیر باشد -
- ۱ - نام شرکت .
- ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیتهایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود .
- ۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه موردنظر باشد .
- ۴ - مدت شرکت .
- ۵ - هویت کامل واقامتگاه و شغل موسسین ، در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا مور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا جهاری داشته باشند ذکر آن به اختصار .
- ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات واوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود .
- ۷ - در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایابه تفضیل .
- ۸ - تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند .
- ۹ - ذکر هزینه هایی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و هزینه های لازم تاسیس فعالیتهای شرکت .
- ۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع .

- ۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باشد توسط پذیره نویسی تعهد شود تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد.
- ۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذی علاقه می‌توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغی نقدی به بانک مراجعه کنند.
- ۱۳ - تصریح به اینکه اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکت‌های سلیم شده است.
- ۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیر الانتشار که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصر ادر آن منتشر خواهد شد.
- ۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.
- ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکت‌های ازمطالعه اظهارنامه و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.
- ماده ۱۱ - اعلامیه پذیره نویسی باشد توسط موسسین در جراید آگهی گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می‌گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.
- ماده ۱۲ - طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را مضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تایید و رسیده ریافت خواهد کرد.
- ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهم باید متشتمل بر نکات زیر باشد.
- ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی در مدت شرکت.
- ۲ - سرمایه شرکت.
- ۳ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی و مرجع صدور آن.
- ۴ - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می‌شود و مبلغی اسمی آن و همچنین مبلغی که از بابت نقدادر موقع پذیره نویسی باید پرداخت شود.
- ۵ - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره نویسان باید به آن حساب پرداخت شود.
- ۶ - هویت و نشانی کامل پذیره نویس.
- ۷ - قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.
- ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهم در دونسخه تنظیم و با قید تاریخ به امضاء پذیره نویس یا قائم مقام قانونی اور رسیده نسخه اول نزد بانک نگاهداری و نسخه دوم با قید رسیده و مهر و امضاء بانک به پذیره نویس تسلیم می‌شود:

تبصره - در صورتی که ورقه تعهدسهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت از اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده ۱۵ - امضاء ورقه تعهدسهم بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد.

ماده ۱۶ - پس از گذشتן مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدیده شده موسسین حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیح اتعهد گردیده واقلاً سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگانی را تعیین واعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود.

ماده ۱۷ - مجمع عمومی موسس بار عایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرگان یا بازرگان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرگان شرکت باید کتاب قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل براین است که مدیر و بازرگان باعلم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود تعهد دار آن گردیده اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود.

تبصره - هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تاشکیل مجمع عمومی سالانه باید دور روزنامه کثیر الاتصال منتشر شود یکی از این دور روزنامه بوسیله مجمع عمومی موسس روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می شود.

ماده ۱۸ - اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده و ضمیمه صورت جلسه مجمع واعلامیه قبولی مدیران و بازرگان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تاشیشماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکت ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوده در آن بعمل آمده است ارسال میدارد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهد نامه و وجوده پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد بعده موسسین خواهد بود.

ماده ۲۰ - برای تاسیس و ثبت شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت ها کافی خواهد بود.

۱ - اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.

۲ - اظهارنامه مشعربر تعهد کلیه سهام و گواهینامه با کی حاکی از تادیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه بصورت غیرنقدباشده باید تمام آن تادیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرگان شرکت باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.

۴ - قبول سمت مدیریت و بازرگانی بارعاایت قسمت اخیر ماده ۱۷.

۵ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکت‌های سهامی عام مقرر است در مورد شرکت‌های سهامی خاص لازم الرعایه نخواهد بود.

ماده ۲۱ - شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برابر یا پذیره نویسی یافروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگراینکه از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

ماده ۲۲ - استفاده از وجوده تادیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹.

ماده ۲۳ - موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ : سهام

ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد و رفقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱ - سهم ممکن است بنام یابی نام باشد.

تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت بارعاایت مقررات این قانون مزایائی قائل شوند اینگونه سهام ، سهام ممتاز نامیده می‌شود.

ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدد الشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لاقل دونفر که بمحض مقررات اساسنامه تعیین می‌شوند بررسد.

ماده ۲۶ - در رفقه سهم نکات زیر باید قید شود -

۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها.

۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن .

۳ - تعیین نوع سهم .

۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و با عدد.

۵ - تعداد سهامی که هر رورقه نماینده آنست .

ماده ۲۷ - تازمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید رورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور رورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاء کنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهد بود.

ماده ۲۹ - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم باید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

ماده ۳۰ - مدام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور رورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممتوح است. به تعهد کننده اینگونه سهام گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است .

ماده ۳۱ - در مرور دصدر گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود.

ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد.

ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیات مدیره شرکت باید به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام رابه منظور تقلیل سرمایه شرکت تأمیزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تأمیزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تعییض بعضی عمل آید.

ماده ۳۴ - کسی که تعهد ابیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهم آن رابه دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.

ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را لز طریق نشر آگهی در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت

مبلغ موردمطالبه مقرردارد.پس ازانقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تادیه نشده باشدنسبت به آن خسارت دیرکردازقرارنرخ رسمی بهره بعلاوه چهاردرصددرسال به مبلغ تادیه نشده علاوه خواهدشدوپس از اخطارازطرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه اگرمبلغ موردمطالبه و خسارت تاخیرآن تمامپرداخت نشود شرکت اینگونه سهام رادرصورتی که دربورس اوراق بهادرپذیرفته شده باشدازطريق بورس و گرنه از طريق مزايده به فروش خواهدرسانیدازحاص فروش سهم بدواکليه هزينه هاي مترتبه برداشت گردیده ودرصورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزينه هاو خسارت ديرکرد)بيشتر باشدمازابه وي پرداخت می شود.

ماده ۳۶ - درمورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم باقیدمشخصات سهام مورد مزايده فقط يك نوبت درروزنامه كثيرالانتشاري که آگهی هاي مربوط به شرکت درآن نشرمي گرددمنتشرويك نسخه ازآگهی وسيله پست سفارشي برای صاحب سهم ارسال می شودهرگاه قبل ازتاريخي که برای فروش معين شده است کليه بدھي هاي مربوط به سهام اعم از اصل ، خسارات ، هزينه هابه شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداري خواهدکرد. درصورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف واوراق سهام یا گواهينامه موقت سهام قبلی ابطال می شود مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد.

ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذكور در ماده ۳۵ حق حضورورای درمجامع عمومي صاحبان سهام شرکت رانخواهندداشت و دراحتساب حد نصاب تشکيل مجتمع تعداد اينگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سودقابل تقسيم و حق رجحان در خريد سهام جديد شرکت و همچنين حق دریافت اندوخته قابل تقسيم نسبت به اين گونه سهام متعلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ - درمورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدھي خود را بابت اصل و خسارات و هزينه هابه شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور ورای درمجامع عمومي را خواهند داشت و می توانند حقوق مالي وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند.

ماده ۳۹ - سهم بي نام بصورت سند دروجه حامل تنظيم وملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اينگونه سهام به قبض و اقباض بعمل می آيد. گواهی نامه موقت سهام بي نام در حکم سهام بي نام است و از لحاظ ماليات بردرآمد مشمول مقررات سهام بي نام می باشد.

ماده ۴۰ - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نمایند قانونی او باید انتقال را در دفتر مذبور امضاء کند.

درموردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز درفتر ثبت سهام شرکت قیدوبه امضای انتقال گیرنده یا وکیل یانماینده قانونی اورسیده وازنظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید بهمان ترتیب رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق عمل آیدار نظر شرکت واشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۴۱ - در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یامجمع عمومی صاحبان سهام بشود.

ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می تواند بوجب اساسنامه و همچنین تاموگی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور واضح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.

بخش ۳ : تبدیل سهام

ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد بوجب مقررات اساسنامه یابنایه تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام بانام و یا آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند.

ماده ۴۴ - درمورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام بایدمراقب در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح سهام خود که پس از انقضای مهلت مذبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

ماده ۴۵ - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداقل تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز وحداً کثیریک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمی از سهام به فروش نرسد حراج تادونوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۵۴ فروخته می شود بدوا هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزاربورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دارسپرده می شود ، در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک وبالاطلاع دادستان شهرستان بخزانه دولت منتقل گردد.

تبصره - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هر گاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهد داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قراردارد رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷ - برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهام که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام با نام شرکت مراجعه کنند سهام با نام به شرکت مراجعه کنند سهام با نام آنان اخذ و بطال و سهام بی نام به آنها داده شود.

ماده ۴۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام با نام و یا تبدیل سهام با نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتן هر یک از مهلت های مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت باید مرجع ثبت شرکت هارا از تبدیل سهام خود کتاب مطلع ساود تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور را در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهد داشت .

ماده ۵۰ - در مورد تعویض گواهی نامه موقع سهام بالا را ق سهام با نام یابی نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴ : اوراق قرضه

ماده ۵۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این اوراق قرضه منتشر کند.

ماده ۵۲ - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است بابهره معین که تمامی آن یا جزء آن در موعد یا مواعده معینی باید مسترد گردد برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بابهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.

ماده ۵۳ - دارندگان اوراق قرضه درداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

ماده ۵۴ - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد.

ماده ۵۵ - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتي که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.

ماده ۵۶ - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنابراین پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک چندباره انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تصریف - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده ۵۷ - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتابه مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

تصریف - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.

ماده ۵۸ - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیربوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد -

۱ - نام شرکت .

۲ - موضوع شرکت .

۳ - شماره و تاریخ ثبت شرکت .

۴ - مرکز اصلی شرکت .

۵ - مدت شرکت .

۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است .

۷ - درصورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن درنظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و درصورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است.

۸ - درصورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت وسایر شرایط تضمین مذکور.

۹ - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هرورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه درنظر گرفته شده است و همچنین موعدیام مواعده و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره وغیره و درصورتی که اوراق قرضه قابل خرید باشد شرایط و ترتیب بهره وغیره و درصورتی که اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید.

۱۰ - تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه درنظر گرفته شده است.

۱۱ - اگر اوراق قرضه قابل تعویض باشند شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت وسایر شرایط تعویض یا تبدیل.

۱۲ - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.

ماده ۵۹ - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده ۶۰ - ورقه قرضه باید شامل نکات زیربوده و بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود -

۱ - نام شرکت .

۲ - شماره و تاریخ ثبت شرکت .

۳ - مرکز اصلی شرکت .

۴ - مبلغ سرمایه شرکت .

۵ - مدت شرکت .

۶ - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه .

۷ - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط بازخرید ورقه قرضه (اگر قابل بازخرید باشد).

۸ - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه درنظر گرفته شده است .

۹ - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه باسهم شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود باذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند.

۱۰ - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل .

ماده ۶۱ - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض باسهم شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنابراین پیشنهادهای مدیر و گزارش خاص بازرگان شرکت مقارن اجاره انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را لایحه برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.

ماده ۶۲ - افزایش سرمایه مذکور در ماده ۱۶ قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله یک یا چند بانک و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع اینگونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویس مبنی بر دادن اینگونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و اینگونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۱۶ عبر سدو گرن معتبر نخواهد بود.

تبصره - شورای پژوه و اعتبار شرایط بانکها و موسسات مالی را که می تواند افزایش سرمایه شرکت هارا پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود.

ماده ۶۳ - در مورد مواد ۱۶ و ۲۶ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود.

ماده ۶۴ - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه باسهم باید در ورقه قرضه قيد شود. تعویض ورقه قرضه باسهم تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است .

دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را باسهم شرکت تعویض کند.

ماده ۶۵ - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده ۱۶ تا انقضای موعدیا مواعده اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلك سازد یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارد که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عدد سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گردد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند.

ماده ۶۶ - از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۱۶ تا انقضای موعدیا مواعده اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهام و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عنوانی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را باسهم شرکت تعویض می

کنندبه نسبت سهامی که درنتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت بایتدابیر لازم را تخاذ کند تادارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفانمایند.

ماده ۶۷ - سهامی که جهت تعویض بالا اوراق قرضه صادر می شود بانام بوده و تانقضای موعد یامواعداً اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دائربه تعویض سهام بالا اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد این گونه سهام تانقضای موعد یامواعداً اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مذبور بوده و نقل و انتقال این گونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شود مگر وقتی که تعویض ورقه مواعده قرضه باشهم احراز گردد.

ماده ۶۸ - سهامی که جهت تعویض بالا اوراق قرضه صادر می شود مدام که این تعویض بعمل نیامده است تانقضای موعد یامواعداً اوراق قرضه قابل تامین و توقیف نخواهد بود.

ماده ۶۹ - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد راین صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه رامی دهد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد.

ماده ۷۰ - در مورد ماده ۶۹ هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکوره در همان ماده در پیان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکت ها سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد.

ماده ۷۱ - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنای پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۳۶۴ و ۳۶۵ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود.

بخش ۵ : مجامع عمومی

ماده ۷۲ - مجمع عمومی شرکت سهامی از جماعت صاحبان سهام تشکیل می شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده ۷۳ - مجامع عمومی به ترتیب عبارتنداز -

۱ - مجمع عمومی موسس .

۲ - مجمع عمومی عادی .

۳ - مجمع عمومی فوق العاده .

ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است -

۱ - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم .

۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن .

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرگان یا بازرسان شرکت .

۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

تبصره - گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعت پذیره - نویسان سهام آماده باشد.

ماده ۷۵ - در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشدم مجامع عمومی جدید فقط تادونوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط براینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید استور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دوثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشدم موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند.

تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود.

ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیر نقد داشته باشند موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ازیابی آورده های غیر نقد جلب و آن راجزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی موسس بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مذکور به مجمع موسس تقدیم شود.

ماده ۷۷ - گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد.

دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کرده اند یا مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت

از سرمایه غیرنقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.

ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی تواند آورده های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند.

ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیرنقد یامزایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دو مین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تا دیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می توانند بالا نصراف از آن مزایادر شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه کنندگان مزایا بانتظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنها سهام شرکت را تعهد مبالغ لازم را تا دیه کنند.

ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که برطبق ماده قبل بمنظور رسیدگی به وضع آورده های غیرنقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده ۸۱ - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تا دیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اطلاع دهند تا در مرجع مذبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند.

ماده ۸۲ - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیرنقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود.

ماده ۸۳ - هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصر ادر صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

ماده ۸۴ - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشده مجمع برای بار دوم دعوت و باحضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد.

ماده ۸۷ - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عدد از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مردانه انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مردانه انتخاب مدیران تعداد آراء هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رای دهنده می تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد.

ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکباره در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره و عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود.

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر خواهد بود.

ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

ماده ۹۱ - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند را اقدام بدعوت مجمع مجبور بنمایند.

ماده ۹۲ - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت می توانند در موقع مقتضی مجمع عمومی عادی رابطه فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود.

ماده ۹۳ - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع عمومی قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف این گونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصباب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلاییک سوم این گونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره به اکثریت دو سوم آراء معتبر خواهد بود.

ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلاییک پنجم سهام شرکت رامالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را بار عایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را لازم بازرسن یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرسن یا بازرسان مکلف خواهند بود که بار عایت تشریفات مقرر مجمع موردن تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و گرنه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً بدعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند.

ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصر ا موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد.

ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردید بعمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیر الانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نماید. این تصمیم باید در روزنامه کثیر الانتشاری که تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوت نامه و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبل از تعیین شده منتشر گردد.

تبصره - در مواقعي که کلیه سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامي نیست.

ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوت نامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود.

ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید بالرائی ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورود به

جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر یک از حاضرین قیدو به امضاء آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع باقید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ - مجامع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دوناظر اداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع بارئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در موقعی که انتخاب یاعزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲ - در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نماینده گان شخصیت حقوقی بشرط ارائه مدارک و کالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده ۱۰۳ - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آراء در مجامع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آراء حاضرین در جلسه است.

ماده ۱۰۴ - هر گاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد از که باید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ - از مذکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضاء هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متناسب یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع با ایدج هت ثبت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال گردد -

- ۱ - انتخاب مدیران و بازرگان یا بازرسان .
- ۲ - تصویب ترازنامه .

۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه .

۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن .

بخش ۶ : هیئت مدیره

ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلایبغضاقابل عزل می باشنداداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده ۱۰۹ - مدت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی رامی توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهاي مدنی شخص حقیقی عضوهیئت مدیره را داشته و بایدیک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهاي مدنی و جزائی عضوهیئت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که اورابه نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

شخص حقوقی عضوهیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین اوراکتبابه شرکت معرفی نماید و گرنه غایب محسوب می شود.

ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند.
۱ - مجرورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است .
۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بمحض حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلایبعضامحروم شده باشند در مدت محرومیت .

سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، جنحه هایی که بمحض قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی .

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفادین ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفادین ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۱۱۲ - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفای اسلب شرایط ازیک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والابه ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت راجهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ - درمورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب موردازدعت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت اوبلاستی مانده خودداری کندهرذینفع حق دارداز بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران بارعايت تشریفات لازم اقدام کنندو بازرس مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند.

ماده ۱۱۴ - مدیران باید تعدادسهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است داراباشند. این تعدادسهام نباید از تعدادسهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رای درمجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تصصیرات مدیران منفردا یا مشترکاً بشرکت وارد شود. سهام مذکور بالاسم بوده وقابل انتقال نیست و مدام که مدیری مفاصی حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۵ - درصورتی که مدیری درهنگام انتخاب مالک تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین درصورت انتقال قهری سهام موردوثیقه ویا افزایش یافتن تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه ویا افزایش یافتن تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپاردوگرنه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۱۶ - تصویب ترازنامه وحساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصی حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه وحساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر تحدیگری از آنان سلب سمت شده است سهام موردوثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۷ - بازرس یا بازرسان شرکت مکلفدهر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت درموردسهام وثیقه مشاهده کننده مجمع عمومی عادی گزارش دهنده.

ماده ۱۱۸ - جز درباره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط برآنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بمحض تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت مدیره یک رئیس و یک نائب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین می نماید. مدت ریاست رئیس و نائب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع

می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را لزمه عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود

تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً تواند وظایف خود را انجام دهد وظایف اورا نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۱۲۰ - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت - مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مكلف به دعوت آنها می باشد دعوت نماید.

ماده ۱۲۱ - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلاییک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهنند می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد باز کردن ستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند.

ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم ولاقل به اعضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه باقی دارد تاریخ در آن ذکرمی گردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده ۱۲۴ - هیئت مدیره باید اقلاییک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه اور اتعیین کننده صورتی که مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر خواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.

تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیر عامل را عزل نماید.

ماده ۱۲۵ - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکوردر ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوندو همچنین هیچ کس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.

ماده ۱۲۷ - هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گرددادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل اور اصادف خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت های اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

ماده ۱۲۹ - اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضوهیئت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا به همین شوندو در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را ز معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضوهیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت.

ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامن امام سؤول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می باشند.

ماده ۱۳۱ - در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را زدادگاه صلاحیت دارد خواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس

از استماع گزارش بازرس مشغیر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رای خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رای نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره به استثناء اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ‌گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یابد. این‌گونه عملیات بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود منوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسرو پدر و مادر و اجداد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده ۱۳۳ - مدیران و مدیر عامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف اوضاع ضرر شرکت گردید مسئول جبران آن خواهد بود منظور از ضرر در این ماده اعم است از ازور و دخسار یا تقویت منفعت.

ماده ۱۳۴ - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند با توجه به ساعت حضور اعضاء غیر موظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مذکور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را با توجه به تعداد ساعت واقعاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش به اعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیر موظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش بینی شده است درقبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

ماده ۱۳۵ - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان بعد از عدم اجرای تشریفات مربوط بطریح انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست.

ماده ۱۳۶ - در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران تازمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کما کان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهد بود. هر گاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکند هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت هادعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضانماید.

ماده ۱۳۷ - هیئت مدیره باید لاقل هر ششماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده به بازرسان بدهد.

ماده ۱۳۸ - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش بینی شده است مجمع عمومی سالانه رابرای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.

ماده ۱۳۹ - هر صاحب سهم می تواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابهای مراجعت کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد.

ماده ۱۴۰ - هیئت مدیره مکلف است هرسال یک بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته به یک دهم سرمایه شرکت رسیدموضع کردن آن اختیاری است و در صورتی که سرمایه شرکت افزایش یابد کسریک بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه بالغ گردد.

ماده ۱۴۱ - اگر بر اثر زیانهای وارد حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برودهیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یابقاء شرکت مورد شورورای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و بارعاایت مقررات ماده عاین قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفعی می تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

ماده ۱۴۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی با اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرد یا مشترک مسئول می باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک رابرای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۴۳ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تادیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می تواند تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از احشاء معلول تخلفات او بوده است منفردا یا متناسب نباشد تادیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

بخش ۷ : بازرسان

ماده ۱۴۴ - مجمع عمومی عادی در هرسال یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا بر طبق قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان بلا مانع است . مجمع عمومی عادی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کنده شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید. تبصره - در حوزه هائی که وزارت اقتصاد اعلام می کند وظایف بازرسی شرکت هادر شرکت های سهامی عام اشخاصی می توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکت هادر ج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیت دار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئین نامه ای می باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیون های اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۴۵ - انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت های سهامی عام در مجمع عمومی موسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت های سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۴۶ - مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی البطل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یافوت یا استغفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

ماده ۱۴۷ - اشخاص زیر نمی توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند -

۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱ این قانون .

۲ - مدیران و مدیر عامل شرکت .

۳ - اقرباء سبی و نسبی مدیران و مدیر عامل تاریخه سوم از طبقه اول و دوم .

۴ - هر کس که خود یا همسرش زا شخاص مذکور در بند ۲ موظف حقوق دریافت می دارد.

ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بروظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد حساب سود و زیان ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.

ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لاقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعته صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد.

تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته هریک می تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف باذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام ماموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت دار اعلام نموده و نیز جریان رابه اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون بعنوان بازرس تعیین شده اند صورت دارایی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهاین تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان بعلی نتوانند گزارش بدeneh دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان رابه تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است.

ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتكب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارد خواهد بود.

ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۱۵۶ - بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

بخش ۸ : تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت رامی توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

ماده ۱۵۸ - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طریق زیر امکان پذیر است -

۱ - پرداخت مبلغ اسمی به نقد.

۲ - تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.

۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا ندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت .

۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام .

تبصره ۱ - فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقدنیز مجاز است .

تبصره ۲ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است .

ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند .

ماده ۱۶۰ - شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند . شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهم فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقدابین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد .

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرگان یا بازرگان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند .

تبصره ۱ - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن را به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد .

تبصره ۲ - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متنضم تو جیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش گزارش بازرگان یا بازرگان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد .

ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تامیزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد .

ماده ۱۶۳ - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداقل ظرف یکماه مراتب راضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود .

ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی تواند متنضم اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد .

ماده ۱۶۵ - مدام که سرمایه قبلی شرکت تمام اعادی نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود .

ماده ۱۶۶ - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم

مذکورالاعمال کنندکمترازشصت روزنخواهد بود. این مهلت ازروزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود.

ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را لزطريق فروش سهام جدید تصویب می کنندیاالجازه آن رابه هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدیم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید از آنان سلب کنده شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرگان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود.

تیصره - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدیم از سهامداران و معرفی شخص یا شخصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرگان یا بازرگان باید حاکی از تایید عوامل وجهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است.

ماده ۱۶۸ - در مرور ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدیم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگرانجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در احصاری در باره سلب حق تقدیم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه واکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد.

ماده ۱۶۹ - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردید به اطلاع صاحبان سهام بر سرداران آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم نسبت به سهام خود حق تقدیم در خرید آنها دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰ - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدیم در خرید آن را دارند ظرف مدت معین که باید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بی نام گواهینامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

- ماده ۱۷۱ - گواهینامه حق خریدسهم مذکوردر ماده فوق بایدمشتمل بر نکات زیرباشد -
- ۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت .
 - ۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت .
 - ۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب موردمبلغ اضافه ارزش آن .
 - ۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجهه لازم باید در آن پرداخته شود.
 - ۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.
 - ۶ - هرگوته شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد.
- تبصره - گواهینامه حق خریدسهم باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرار است به امضاء برسد
- ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب موردن تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و به مقاضیان فروخته خواهد شد.
- ماده ۱۷۳ - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای اسلامی و رسید دریافت کنند.
- ماده ۱۷۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارنده گان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -
- ۱ - نام و شماره ثبت شرکت .
 - ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن .
 - ۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن .
 - ۴ - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن .
 - ۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .
 - ۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .
 - ۷ - هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .
 - ۸ - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .
 - ۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشكیل اندوخته و تقسیم دارائی .
 - ۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم .
 - ۱۱ - مبلغ باز پرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن .

۱۲ - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .

۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه .

۱۴ - تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدیم خود تعهد کرده اند .

۱۵ - تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیره نویسی .

۱۶ - مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب موردمبلغ اضافه ارزش سهم .

۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود .

۱۸ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجود لازم باید در آن پرداخته شود .

۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود .

ماده ۱۷۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتهاتسلیم گردید و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود .

ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکتهای اپس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود .

ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد اقل از دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می آید در معرض دید علاقمندان قرارداده شود . در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است .

ماده ۱۷۸ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دوماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تا دیه و رسید دریافت خواهد کرد .

ماده ۱۷۹ - پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد ب عمل خواهد آمد -

۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت .

۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه .

۳ - مبلغ افزایش سرمایه .

۴ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید و مرجع صدور آن .

- ۵ - تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغ اسمی آن .
- ۶ - نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته می شود.
- ۷ - هویت و نشانی کامل پذیره نویس .

ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۵۱ و ۱۴۱ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است .

ماده ۱۸۱ - پس از گذشت مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین واعلام و مراتب راجه ت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد .

هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار استوار سترداد و جه سهام اضافه خریداری شده رابه بانک مربوط بدهد .

۱۸۲ - هر گاه افزایش سرمایه شرکت تانه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسیده درخواست هر یک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه نویسی به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمد است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مستردارند . در این صورت هر گونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد .

ماده ۱۸۳ - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتها سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود .

۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده ویا لجازه آن رابه هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرارداده است .

۲ - یک نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۹۶ این قانون در آن نشر گردیده است .

۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید به شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود .

۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحويل گردیده و بار عایت ماده ۱۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ و ۱۱۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می

شود الزامی خواهدبودویک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید اظهارنامه مذکوردراین ماده ضمیمه شود.

تبصره - اظهارنامه های مذکوردراین ماده باید به اعضاء کلیه اعضاء هیئت مدیره رسیده باشد.

ماده ۱۸۴ - وجودی که به حساب افزایش سرمایه تادیه می شودباید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شودتمین و توقيف و انتقال وجوده مزبوربه حساب های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت .

ماده ۱۸۵ - درصورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشدسهام جدیدی که درنتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهدشده‌باالمضاعورقه خریدسهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدیدباشنداجام می گیرد.

ماده ۱۸۶ - درورقه خریدسهم مذکوردر ماده ۱۸۵ نکات مندرج دربندهای ۱۱و۲و۳و۵و۷و۸ ماده ۱۷۹ باید قیدشود

ماده ۱۸۷ - درمورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره نویسی باید درموقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه درمرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده ، بستانکاران پذیره نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت استادو مدارک حاکی از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تایید کرده باشندهرماه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعربراینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسليم شود.

ماده ۱۸۸ - درموردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجودصورت می گیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شودونیزسهام جدیدی که درقبال افزایش سرمایه صادر می شودهنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کل پرداخت یاتهارت شود.

ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکوردر ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهادهیئت مدیره درمورد کاهش سرمایه شرکت بطوراختیاری اتخاذ تصمیم کندمشروط برآنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای واردنشودوسرمایه شرکت از حداقل مقرردر ماده ۱۵ این قانون کمتر نگردد.

تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعدادیامبلغ اسمی سهام صورت میگیردو کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی ورد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد.

ماده ۱۹۰ - پیشنهادهیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسليم گردد.

پیشنهاد مزبور باید مخصوص توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارش درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۱۹۱ - بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهادهایت مدیره رامورد رسیدگی قرارداده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۱۹۲ - هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداقل ظرف یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند.

ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هریک از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانی که منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۱۹۴ - در صورتی که بینظیر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معارض وثیقه ای که بینظیر دادگام کافی باشد نسباً در دارای صورت آن دین حال شده و دادگاه به پرداخت آن خواهد داد.

ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است.

ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بنام توسط پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد -

- ۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت.

۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.

۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش.

۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای باز پرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این باز پرداخت انجام می گیرد.

ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است.

بخش ۹ : انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می شود -

۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضای مدت مذکور شده باشد.

۳ - در صورت ورشکستگی .

۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به رعایتی رای به انحلال شرکت بدهد.

۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه .

ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است .

ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد :

۱ - در صورتی که تایکسال پس از بی ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از تایکسال متوقف شده باشد.

۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سالهای مالی تا ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد .

۳ - در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر ششماه بلا متصدی مانده باشد.

۴ - در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و بیارای به انحلال شرکت ندهد.

ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۱۲ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداقل از ششماه تجاوز نکند می دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.

در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد.

ماده ۲۰۳ - تصفیه امور شرکتهای سهامی بارعاایت مقررات این قانون انجام می گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می باشد.

ماده ۲۰۴ - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۰۵ - در صورتی که بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر دینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت "در حال تصفیه" ذکر شود و نام مدیریا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ - نشانی مدیریا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بمحض تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۲۰۸ - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماندو مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری واجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت می باشد و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهد داد.

ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال واسامي مدیریا مدیران تصفیه و نشانی آنها بر عایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه های کثیر الانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیر الانتشار روزنامه کثیر الانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده ۲۱۰ - انحلال شرکت مدام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.

ماده ۲۱۱ - از تاریخ تعیین مدیریا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحويل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده دار شوند.

ماده ۲۱۲ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارامی باشند و می توانند برای طرح دعوا و دفاع از دعوا و کیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.

ماده ۲۱۳ - انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلایبعضابه مدیریا مدیران تصفیه ویابه اقارب آنهاز طبقه اول و دوم تارجه چهارم ممنوع است . هر نقل و انتقال که برخلاف مفاداین ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده ۲۱۴ - مدت ماموریت مدیریا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان ماموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیریا مدیران تصفیه باید ذکر علل وجهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدبیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیریا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت ماموریت آنان بارعاایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ بدادگاه خواهد بود.

ماده ۲۱۶ - مدیریا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را منتخب کرده است قابل عزل می باشند.

ماده ۲۱۷ - مدام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را بارعاایت شرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به اطلاع مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند

ماده ۲۱۸ - در صورتی که بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به اطلاع مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد بعده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکنند ناظر پیش بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابهادر مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصباب واکریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیر الانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود.

ماده ۲۲۲ - در مواردی که بمحض این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجتمع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خودمی باشند هرگاه مجمع عمومی موردنظر دومرتبه بارعاایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود را صورت حسابهای مقرر در ماده ۱۷ این قانون رادر روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه هاوآگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیوی که هنوز موعده تا دیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دین دارائی شرکت بدوابه مصرف باز پرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازادبه ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواهد در مدت تصفیه و خواهد پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبل از مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه هاوآگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شده و لاقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه رامسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده اند.

ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب رابه مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه هاوآگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود نونام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتی حذف گردد.

ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزدیکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده آن بانک تسلیم و مراتب راطی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضاض عده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ ازوجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده واز طرف بانک بالاطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت

شرکت‌هادفاتر و اسناد مدارک مذکور از نیز به مرجع ثبت شرکت‌هاتحويل دهنده تانگه‌داری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفای از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت راجهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مذکور تشکیل نشود یا تواند مدیر تصفیه جدیدی رانتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است.

ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجریا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیریا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت راجهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مذکور تشکیل نشود یا تواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیریا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصر به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجریا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌هاتخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت راجهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مذکور تشکیل نگردد یا تواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجوریا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰ : حسابهای شرکت

ماده ۲۳۲ - هیئت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مذکور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلابیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرگان گذاشته شود.

ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی

که تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل از آن موردنظر باشد باید اسناد مذکور بهردوش‌شکل و هر دوروش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته ها سودقابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه درنتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بعل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی وزیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است بایدقیل از مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده ۲۳۶ - هزینه‌های تاسیس شرکت باید قبل از تقسیم هر گونه سود مستهلك شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که این گونه هزینه هابعمل آمد مستهلك شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر می‌شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل این اضافه ارزش مستهلك نمود.

ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.

ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارد در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن برابر باشد ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۳۹ - سودقابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوره در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سودقابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سودقابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان تقسیم شود تعیین خواهد شد. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ موردنظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد.

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سودقابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی درخصوص

نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت راتعین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد.

ماده ۲۴۱ - بار عایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود در شرکتهای سهامی خاص ازده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند.

مقررات اساسنامه و هر گونه تصمیمی که مخالف بامفاداتین ماده باشد باطل و بلا اثر است.

ماده ۲۴۲ - در شرکتهای سهامی عام هیئت مدیره مكلف است که به حسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی راضمیم کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را بخواصیح و روشن نشان می دهد.

تیصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتی های مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می باشد و در صورتی که بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ : مقررات جزائی

ماده ۲۴۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تادویست هزار ریال یا بهتر و مجازات محکوم خواهند شد.

۱ - هر کس که عالم او برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسليم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند.

۲ - هر کس در رورقه سهم بنام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

۳ - هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند بعضاً یا کلا خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

۴ - هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

۵ - هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج در صد آن و نیز تحويل کلیه سرمایه غیر نقد صادر کند.

۶ - هر کس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام صادر کند.

ماده ۲۴۴ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یابه جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا بهتر دوم مجازات محکوم خواهند شد -

۱ - هر کس عالم سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروش دیابه معرض فروش گذارد.

۲ - هر کس سهام بی نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروش دیابه معرض فروش گذارد.

۳ - هر کس سهام بانام را قبل از آنکه اقلاسی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروش دیابه معرض فروش گذارد.

ماده ۲۴۵ - هر کس عالم دار هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند. یا نجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد بده مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تادیبی از دو ماه تا ششم ماه یابه جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا بهتر دوم مجازات محکوم خواهد شد.

۱ - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یادو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع فوق العاده راجهت نقلیل سرمایه شرکت تامیزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند.

۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت بتصویر اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را جازه دهند.

ماده ۲۴۷ - در مورد بندیک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیئت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیئت مذبور صریحاً اعلام کند که باید تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیئت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضوهیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره منوط به این است که عضوهیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مذبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهر علت تشکیل

نگردداعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضوهیئت مدیره کافی است.

ماده ۲۴۸ - هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کنده جزای نقدی ازده هزار تاسی هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۹ - هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادر شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری براین اقدامات مترتب شده باشد مرتكب در حکم کلاهبرداری بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نماینده جزای نقدی از بیست هزار ریال تادویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۱ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۶۵۵ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه نماینده حبس تادیبی از سه ماه تادویس و جزای نقدی از بیست هزار ریال تادویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۲ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۰۶۴ این قانون را در اوراق قرضه قید ننماینده جزای نقدی بیست هزار ریال تادویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال یا بهردو مجازات محکوم خواهد شد.

۱ - هر کس عامد امامع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهم بشود.
۲ - هر کس با خدعا و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه این کار اشخاص یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره شرکت سهامی که حد اکثر تا عما پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنندیا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع

تنظيم و تسليم نماید به حبس ازدواش شما یا به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال یا بهردو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۵ - رئیس واعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۶ - هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ - رئیس واعضاء هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۸ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد -

۱ - رئیس واعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشد.

۲ - رئیس واعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یامنی شر کرده باشد.

۳ - رئیس واعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذیفع می باشند مورد استفاده قرار دهند.

۴ - رئیس واعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا با خاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذیفع می باشند استفاده کنند.

ماده ۲۵۹ - رئیس واعضا هیئت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازار سان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایندویا بازار سان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس ازدواش شما یا جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال یا بهردو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۰ - رئیس واعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل که عامد امانع یامخل انجام وظایف بازار سان شرکت بشوند یا استناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازار سان قرار ندهند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال یا بهردو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۱ - رئیس واعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یاد رصویری که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ده هزار ریال

تایکصدهزارریال محکوم خواهند شد. در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت بتصویر روانشمار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنماید به حبس تادیبی از دو ماه تاشتماه و به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تادویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید در عایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

۲ - در صورتی که شرکت قبل اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر گرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قبل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا باز پرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلك سازندیا آن را از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده ۲۶۳ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که غالما برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدیدیه مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حیث از شتماه تاسه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا بهره و مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در مرور کاهش سرمایه غالماً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد :

۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام .

۲ - در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس شرکت تسليم نشده باشد.

۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائم بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرائط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کیفر الاتصالی که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشمری گردد آگهی نشده باشد.

ماده ۲۶۵ - رئیس و اعضاء هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارد حداکثر تادو ما مجمع عمومی فوق العاده صاحبان

سهام رادعوت نمایند تاموضع انحلال یابقاء شرکت مورد سورورای واقع شود و حداکثر تا یکماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نماینده حبس از دوماه تاششماه یابه جزای نقدي ازده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا بهردو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۶ - هر کس با وجود منع قانونی عالماسمت بازرسی رادر شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کنده حبس تادیبی از دوماه تاششماه یاجزای نقدي از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یابه هردو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالم راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸ - مدیریا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالم امر تک جرائم زیر بشوند به حبس تادیبی از دوماه تاششماه یابه جزای نقدي از بیست هزار تا دویست هزار ریال یابه هردو مجازات محکوم خواهد شد :

۱ - در صورتی که ظرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

۲ - در صورتی که تاششماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان شرکت رادعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می داند اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را بارعاایت شرایط و تشریفاتی که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود داده دهند.

۵ - در صورتی که ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند.

۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم به تصفیه وجوهی را که با قیمانده است در حساب مخصوصی دریکی از بانک های ایرانی تودیع نماید و در صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتكب جرائم زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد -

۱ - درصورتی که اموال یااعتبارات شرکت درحال تصفیه رابرخلاف منافع شرکت یابرای مقاصدشخصی یابرای شرکت یاموسسه دیگری که خودبطور مستقیم یاغیرمستقیم درآن ذینفع می باشندمورداستفاده قراردهند.

۲ - درصورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یابدون رعایت حقوق بستانکاران وموضوع کردن قروضی که هنوزموعدتادیه آن نرسیده دارائی شرکت رابین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

بخش ۱۲ : مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی
ماده ۲۷۰ - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هریک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود برحسب مورد بنا بدرخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهدشد لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۲۷۱ - درصورتی که قبل ازصدورحکم بطلان شرکت بابطلان عملیات یا تصمیمات آن درمرحله بدوى موجبات بطلان مرتفع شده باشدادگاه قرارسقوط دعواى بطلان را صادرخواهدکرد.

ماده ۲۷۲ - دادگاهی که دعواى بطلان نزدآن اقامه شده است می تواندبا به درخواست مهلتی که ازششماه بیشترنباسدبرای رفع موجبات بطلان تعیین نماید.ابتداي مهلت مذكورتاریخ وصول پرونده ازدفتربه دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشدادگاه حکم مقتضی صادرخواهدکرد.

ماده ۲۷۳ - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسئول بطلان هستند متضامنا مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است .

ماده ۲۷۴ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادرمی نمایدبایدضمن حکم خود یک یاچندنفرابعنوان مدیرتصفیه تعیین کندتا برطبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند.

ماده ۲۷۵ - درهرموردکه براثر انحلال یابطلان شرکت مدیرتصفیه بایداز طرف دادگاه تعیین شودومدیریا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشنددادگاه امرتصفیه رابه اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خودارجاع می نماید.

تبصره - تعیین حق الزحمه مدیریا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شودبعهده دادگاه است .

ماده ۲۷۶ - شخص یا شخصی که مجموع سهام آنهاحداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می تواند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یاتمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات واردہ به شرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضاء هیئت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارات شرکت پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی نباید ب نحوی از انحصار حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.

ماده ۲۷۸ - شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به شرکت سهامی عام تبدیل شود که اول ام موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن بارعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده ۲۷۹ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند.

۱ - اساسنامه که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است.

۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

الف - نام و شماره ثبت شرکت .

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهاي آن .

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن .

- ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .
- و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد وامتیازات آن .
- ز - هویت کامل رئیس واعضاهیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .
- ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .
- ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته .
- ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .

ک - ذکر نام روزنامه کثیر الانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد .
ماده ۲۸۰ - مرجع ثبت شرکت ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها باین قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی خواهد نمود .

ماده ۲۸۱ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول آن در مرجع ثبت شرکت ها در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلاد ریک روزنامه کثیر الانتشار دیگر نیز آگهی شود .

ماده ۲۸۲ - شرکت سهامی خاص که بخواهد افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید بارعايت مواد ۱۷۳ الگایت ۱۸۴ و ماده ۱۸۵ این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نماید . مرجع ثبت شرکت هادراین مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند بالافرازیش سرمایه از طریق پذیره نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه نویسی سهام را صادر خواهد نمود . در اعلامیه پذیره نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مذبور قید گردد .

ماده ۲۸۳ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تمام امدادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی تبدیل گردد .

ماده ۲۸۴ - شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون بصورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام در آینده و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهنده ب نوع دیگری از انواع شرکت های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الامتحنل محسوب خواهد شد و لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهد بود .

تاهنگامیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را بامقررات این قانون تطبیق نداده اند تابع مقررات مربوط به شرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خودخواهند بود.

تطبیق وضع شرکت بامقررات این قانون وقتی محقق می شود که مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچگونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می شود.

ماده ۲۵۸ - تغییر اساسنامه هر یک از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها بامقررات این قانون استثنائی ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مرور افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل وحدنصاب واکثریت لازم برای مجتمع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت بامقررات این قانون تابع مقررات تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مرور شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون می باشد.

ماده ۲۸۶ - برای آنکه شرکتهای سهامی مورد در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص در آینده باید اولاً سرمایه آنها حداقل به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را بارعایت مقررات این قانون در مرور افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهنده ثانیاً اساسنامه خود را به منظور تطبیق بامقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکت های اس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت بامقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۸۷ - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی عام در آینده باید اولاً سرمایه آنها به میزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را بارعایت مقررات این قانون در مرور افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهنده ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را بامقررات این قانون وفق دهنده.

ماده ۲۸۸ - در صورتی که شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود را بامقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مرور سهام جدید نیز لازم الرعایه است و در هر حال این نسبت نمی تواند از سی و پنج درصد مبلغ

اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده ۲۸۹ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهد از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را درنتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید بار عایت مقررات این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تمام تعهد نشود و مبلغی که باید بطبق مقررات این قانون تادیه گردید تادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۹۰ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهد به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر رابه مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند.

۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است.

۲ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرارداده است.

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای مزبور باید متنضم تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.

۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتهای اپس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۹۲ - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ و ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهام عام لازم الرعایه است، در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده ۲۹۳ - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بطبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده ۲۹۴ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر رابه مرجع ثبت شرکت ها تسليم کنند :

۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است .

۲ - صورت دارائی شرکت در موقع تسليم مدارک به مرجع ثبت شرکتها که باید متنضم تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد .

۳ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تایید حسابدار رسمی رسیده باشد .

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد :

الف - نام و شماره ثبت شرکت .

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن .

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن .

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن .

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن .

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت .

ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجامع عمومی .

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته .

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است .

ک - ذکر نام روزنامه کثیر الانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد .

ماده ۲۹۵ - مرجع ثبت شرکت ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی رابه شرکت سهامی عام ثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی خواهد نمود .

ماده ۲۹۶ - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ب شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه شرکت ذکر گرد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت

شرکتها در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلال دریک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۹۷ - در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی بامقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یاتسیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتها لازم باشدو رئیس و اعضاء هیئت مدیره آن شرکت به دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک به مرجع ثبت شرکتها اقدام ننماید به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهد شد و علاوه بر این متضامنا مسئول جبران خساراتی میباشد که بر اثر انحلال شرکت به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد میشود .

ماده ۲۹۸ - در مورد ماده ۲۹۷ در صورتی که هر یک از اعضای هیئت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور ضریحا اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضای هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت . سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضوهیئت مدیره منوط به ایست که عضوهیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مدیره مزبور مرآتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هریک از اعضاء هیئت مدیره اعلام نماید . در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهره علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضوهیئت مدیره کافی است .

ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری می باشد نسبت به آن شرکتهایه قوت خودباقی است .

ماده ۳۰۰ - شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه خودمی باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می شوند .
مبحث دوم - شرکت بامسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شرکت بامسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تامیزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است .

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (بامسئولیت محدود) قید شود و الآن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود .

اسم شرکت نباید متنضم اسم هیچیک از شرکاء باشد والاشریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت بامسؤولیت محدود و موقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقدیم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکت نامه باید صراحتاً تقدیم شرکه باشد که سهم الشرکه های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسؤولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت بامسؤولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکه که بطلان مستند بعمل آنها است و هیئت نظاره مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلا فاصله پس از آن به سرکاربوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامن ام مسئول خواهند بود مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب خواهند بود.

ماده ۱۰۲ - سهم الشرکه که شرکاء نسبت به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از بال اسم و یابی اسم وغیره در آید سهم الشرکه رانمی توان منتقل به غیر نموده مگر بارضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی.

ماده ۱۰۴ - شرکت بامسؤولیت محدود بوسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشده باشد تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند راین صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مذبور دارای نصف سرمایه نباشد، اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هریک از شرکاعبه نسبت سهمی که در شرکت دارددارای رای خواهدبودمگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقررداشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاعتابع اساسنامه است اگردر اساسنامه راجع به تقسیم نفع وضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مذبوربه نسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهدآمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت بامسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش ازدوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظاربوده و هیئت مذبور لاقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد. هیئت نظارباید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۶۹۷ و ۹۶ رعایت شده است. هیئت نظارمی تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید.

مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت های بامسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاعنمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لاقل سه ربع سرمایه رانیز دار باشند بعمل آیدمگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاعنمی تواند شرکت را مجبور به افزایش سهم الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۱۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های بامسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت بامسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ ماده ۹۳

ب - در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج - در صورتی که بواسطه ضررها وارد نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل اوراموجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به اتعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د - در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند :

الف - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسليم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدنه ناظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسائل متقلبانه سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج - مدیرانی که بابودن صورت دارائی یا به استناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر بامسؤولیت تضامنی تشکیل می شود - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هریک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است . قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) ولاقل اسم یک نفر از شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم می شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکاء باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیریا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده .

ماده ۱۲۲ - در شرکت های تضامنی اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قبل از تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مدام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می تواند برای وصول مطالبات خود به هریک از شرکاء که بخواهد باید تمام آنها را جویی کند ، در هر حال هیچیک از شرکاء نمی توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نمایند از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد . فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هریک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتی که در شرکت - نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامنابسایرشرکاءمسئول قروضی هم خواهدبود که شرکت قبل ازوروداو داشته اعم ازاینکه دراسم شرکت تغییری داده شده یانشده باشد.هرقراری که بین شرکاءبرخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهدبود.

ماده ۱۲۶ - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مدام که قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده هیچیک از طلبکاران شخصی شرکاءحقی درآن دارائی نخواهدداشت.اگردارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را ازتمام یافرده فرasherکاءضامن مطالبه کنند ولی دراین مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاءحق تقدیم نخواهدداشت .

ماده ۱۲۷ - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد ازانحل نیزمی توان حکم داد مشروط به اینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شرکاءحق ندارند طلب خود را ازدارائی شرکت تامین یاوصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند. طلبکاران شخصی شرکاءدر صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خودوصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنهاباشدمی توانند انحلال شرکت را تقاضانمایند (اعم ازاینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط براینکه لااقل ششماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند دراین صورت شرکت یا بعضی از شرکاءعمی توانند مدام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تادیه طلب دائمین مزبور تاحددارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطريق دیگرا زانحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت می توانند در مقابل طلبی که ممکن است ازیکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کننده خود شریک می توانند در مقابل قرضی طلبکار او به شرکت داشته باشده تهاتر استناد نماید. معذلک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس ازانحلال شرکت طلب اولاً وصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهدداشت .

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بمحض ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرده سایر شرکاء عمی توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقداً تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر درنتیجه ضررهای واردہ سهم الشرکه شرکاء کم شود مدام که این کمبود جبران نشده تا دیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز درمورد فوق هیچیک از شرکاء اشاره شرکت نمی تواند به تکمیل سرمایه که بعلت ضررهای واردہ کم شده است ملزم کرده و یا اورام جبور نماید بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شریک سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (حساب شخص خود) با حساب شخص ثالث (تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و بعنوان شریک ضامن یا شریک بامسؤولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد راین صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات ۱۹۲ و ۳۹۲ ماده ۹۳.

ب - در صورت تراضی تمام شرکاء

ج - در صورتی که یکی از شرکاء دلایل انحلال شرکت را لزم حکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.

د - در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.

و - در صورت فوت یا محgorیت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند "ج" هرگاه دلایل انحلال منحصر امر بوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء بجا ای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکاء معین را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد تقاضای فسخ باید ششماه قبل از فسخ کتبای به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل می آید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر تصفیه کتاب تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکت‌های بقایه شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید یک ماه از تاریخ فوت رضایت یاد نداشته باشد و در این مدت می‌تواند اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمودن نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع وضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهیم خواهد بود.

سکوت تالقاضی یکماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰ - در مردم محدودیت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم : در شرکت مختلط غیرسهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت اوقظ تأمیزان سرمایه ایست که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در این شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) ولاقل این یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء بارعايت مقررات ذیل تابع شرکت نامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکاء بامسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیرسهامی بعده شریک یا شرکاء ضامن وحدو داخليات آنها همان است که در مردم شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریک بامسئولیت محدود نه بعنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریک بامسئولیت محدود معامله ای برای شرکت کندر مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگراینکه تصریح کرده باشد معامله رابه سمت وکالت از طرف شرکت انجام می‌دهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریک بامسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می‌تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود را درج به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک بامسئولیت محدود نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالث را بالانتقال تمام یا قسمی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگریک یا چندنفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شریک بدون اجازه سایرین کلایا بعضا به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در دارا ره شرکت و نه حق تقدیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت اوضاع داشته اند.

ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی می توان شخص ابرای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شرکت بطريقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمی از سهم الشرکه خود را پرداخته و با پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیما بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یادداز برداشت قبلی از سرمایه شرکت با مسئولیت محدود از سهم الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهداین تقلیل مدام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکه اهانت شرکت نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - به شریک با مسئولیت محدود فرع نمی توان دادمگر در صورتی موجب کسر سرمایه اودر شرکت نشود اگر در نتیجه ضررها وارد سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود کسر شده مدام که این کمبود جبران نشده تادیه هر بیچاره یا منفعتی به او منمنع است.

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک با مسئولیت محدودتا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که باحسن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هر کس بعنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شوددارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند ، سهم الشرکه شرکاء بامسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت نیز محسوب است .

ماده ۱۵۷ - اگردارائی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود .

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء بامسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود .

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز لازم الرعایه است .

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها بایکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است .

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ در مورد شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز جاری است .

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء بامسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود .

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عدد شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود .

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه درآمده و مسئولیت آنها تامیزان همان سرمایه است که در شرکت دارند .

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها بایکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود .

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) ولاقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود .

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است .

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت لااقل مرکب از سه نفر از شرکاء برابر قرار می شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکاء بلا فاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند ، انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد .

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظاراید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۴۱، ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضاء هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خودمی باشند.

ماده ۱۶۸ - اعضاء هیئت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق درآورده همه ساله را پر تی به مجمع عمومی می دهند و هر گاه در تنظیم صورت دارائی بی ترتیبی و خطای مشاهده نماینده در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشد دلائل خود را بیان می کنند.

ماده ۱۶۹ - هیئت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رای مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهامی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچیک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت خواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطريقی غیر از ورشکستگی منحل شده ریک از طلبکاران شرکت می تواند به ریک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مديون شرکت است رجوع کرده در حدوبدیه آن شریک طلب خود را مطالبه نمایند مدام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچیک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارائی شرکت ندارد.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۵۰ شامل شرکت مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹، ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰ ارفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷ این قانون در شرکتهای مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹، ۹۰، ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود -

(الف) در مورد فقرات ۱، ۲، ۳ ماده ۹۳ (ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد (ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن (د) در صورت فوت یا محgorیت یکی از شرکاء ضامن مشروط براین که انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضانموده و محکمه آن دلائل را موجه به بیند.

مبحث ششم : شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء عابه نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) اولاقل اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسامی شریک یا شرکائی که ذکر شده عبارتی از قبل "شرکاء" و "برادران" ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء عابه نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مدام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند بارعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسامی شرکت تغییری داده شده باشد قرار اش شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثربندازد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۳۶ و ۱۲۷ در شرکتهای نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم : شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده ازارباب حرف تشکیل می شود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء اجناس بکار می بردند.

ماده ۱۹۱ - اگردر شرکت تولید یک عدد از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا باز اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشد لاقل دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرکائی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است .

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می شود -

۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.

۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء نسبت خریدهای از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۳ و ۳۲ لازم الرعایه است .

ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یاقطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکاء نمی توانند در مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد.

فصل دوم : در مقررات راجعه به ثبت شرکتها و نشر شرکت نامه ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتها است .

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتگاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظام نامه وزارت عدله معین می شود.

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظام نامه وزارت عدله اعلان خواهد شد.

ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستوردو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده هیچیک از شرکاء نمی توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده اند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ ، ۱۹۷ باید به قسمی که در نظام نامه وزارت عدله معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یاتمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می‌گیرد) و تعیین کیفیت تفریح حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم الرعایه است.

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۱۷۹ این قانون اتخاذ می‌شود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات وغیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت‌های مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می‌شود سرماهه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلص به جزای نقدی ازدواجیست تاسه هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یانماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم : در تصفیه امور شرکتها

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است.

ماده ۲۰۳ - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه بامدیریا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا بازین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یک یا چند شرکت ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را پذیرفتند مکمنه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) (شرکاء غیر ضامن حق دارند) یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ -

ماده ۲۰۸ - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهد داد.

ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصایابه توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به اواجاوه داده باشند ، مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قانون مستثنی است .

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست بطور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعده تا دیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکاء عارضیت به هم و سهم هر یک از شرکاء عارضی و ضرر معین می کنند ، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود.

ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای بامسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه بعده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای بامسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها (به استثنای موردن حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ - تقسیم دارائی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آنکه قبل از مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه رامسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم : مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها رامسئول قرار داده) پنج سال است .

مبدأ مروز زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج اواز شرکت درداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت واعلان قابل مطالبه شده باشد مروز زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوایی که سنت خاتم مروز زمان کوتاهتری بوده یا بموجب این قانون مروز زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یاد رآتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرامی گردد هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت ها مصوب خرد داده است مکلف به ثبت است باید کلیه استناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الامحکوم به جزای نقدی از دویست تادوهزار ریال خواهد شد ، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتها برای عدم ثبت مقرر شده.

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراری داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق قرعه باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافعی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل قیمت نمی تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری می تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً ممنوع است.

باب چهارم : برات - فته طلب - چک

فصل اول : برات

مبحث اول : صورت برات

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد -

۱ - قید کلمه (برات) در روی ورقه .

۲ - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

۳ - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

۴ - تعیین مبلغ برات .

۵ - تاریخ تادیه وجه برات .

۶ - مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد. یا محل دیگر.

۷ - اسم شخصی که برات دروجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

۸ - تصریح به اینکه نسخه اول یادوم یاسوم یا چهارم الخ است .

ماده ۲۲۴ - برات ممکن است بحواله کرد شخص دیگر باشد یا بحواله کرد خود برات دهنده .

ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یکدفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناطق اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است .

ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متن ضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ -

۶ - ۷ - ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبثت دوم : در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود. در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می شود.

ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سرو عده تادیه نماید.

ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسم ازوجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معهذا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است .

ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است .

ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یامنه در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یانکول شود.

ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیقنامه که رسماتنظیم می شود محقق گردد تصدیقنامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.

ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سروعده بدھندیا و جه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تادیه نمایند.

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضانماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحودیگری تضمین کند.

مبحث سوم : در قبولي شخص ثالث

ماده ۲۳۹ - هرگاه براتی نکول شدو اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی می تواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهرنویس ها قبول کند قبولي شخص ثالث باید در اعتراض نامه قيد شده و به امضاء او برسد.

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولي شخص ثالث نيز تابرات تادیه نشده کليه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم : دروغه برات

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماہ از رویت برات ، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماہ از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی موكول شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هرگاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماہ از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولي یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می شود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمي تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود.

تبصره - همين قاعده در مورد سایر اوراق تجاری نيز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم : ظهرنویسي

ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهرنویسی بعمل می آید.

ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس بر سده ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به انتقال داده می شود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اينکه ظهرنویس و کالت در وصول را قيد نموده باشد که در اين صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدى

الاقتضاء حق اعتراض واقمه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این دربرات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸ - هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.
مبحث ششم : مسئولیت

ماده ۲۴۹ - برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرد یابه چند نفر یابه تمام آنها مجامعت معارجوع نماید.

همین حق راه ریک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسها ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست ، اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را لحیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محل علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که ازاو ضمانت نموده است .

ماده ۲۵۰ - هر یک از مسئولین تادیه برات می تواند پرداخت رابه تسلیم برات و اعتراض نامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید پردازد موکول کند.

ماده ۲۵۱ - هرگاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کامل وصول نماید مدیر تصفیه هیچ کس از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارائی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تامیاز و وجهی که هر کدام پرداخته اند جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم : در پرداخت

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات بانوی پولی که در آن معین شده بعمل می آید.

ماده ۲۵۳ - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا المتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارنده برات می تواند از دهنده برات یا نقال دهنده نوع پولی را که

داده یانوع پولی که دربرات معین شده مطالبه کندولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴ - برات به وعده باید روز آخرون عده پرداخته شود.

ماده ۲۵۵ - روز رویت دربرواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات دربرواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارنده مسئول است.

ماده ۲۵۷ - اگردارنده برات به کسی که قبول نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویس های ماقبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸ - شخصی که در سروعده وجه برات رامی پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر آنکه وجه برات قانون نزد او توقيف شده باشد.

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یارابع الخ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قبیل شده باشد که پس از پرداخت وجه بموجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه پیردازد که در روی آن قبول نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبیل شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن برانی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند صول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یارابع الخ تقاضا کند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس ازدادن ضامن بعمل می آید.

ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یارابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند بدادن ضامن تادیه وجه آن را بموجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضائی که در مردم مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراف نامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ - اعتراف نامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعده و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراف نامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقودبرای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از اوبوده است رجوع نماید.

ظهرنویس مذبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خودداده و راهنمائی کند و همچنین هر ظهرنویسی باید اختیار وجوه به ظهرنویس ماقبل خود بدده تابه برات دهنده برسد ، مخارج این اقدامات بر عهده برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع ازدادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است .

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خودمعین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات - دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارند برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاکم نمی توانند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند. مبحث هشتم : تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید و خالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یادگیری آن قید شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق وظایف دارند برات است .

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها بعمل آید ظهرنویس های بعد ازاویری الذمه اند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفاہریک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الذمه می کند اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم : حقوق و وظایف دارند برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید رایران به رویت یابه و عده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارند برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و لاحق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت .

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتری یا کمتری مقرر شده باشد حق دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضانماید و لاحق رجوع به ظهر نویسها و برات دهنده که وجه برات را به محل علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶ - اگر ظهر نویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرد که باشد دارنده برات باید در مدت مذکور تقاضای قبولی نماید و لامر مقابل آن ظهر نویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده ۲۷۷ - هرگاه دارنده برات به رویت یابه و عده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارجه تادیه شود در مواعده مقرر در مواد فوق . قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق اوساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات - دهنده و ظهر نویسها قرارداد یکگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز و عده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ و عده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محل علیه و نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه را به وسیله اظهار نامه رسمی یا مراحله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهر نویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهر نویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای احتمال رداشته استفاده کند باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوا نماید. (اصلاحی ۱۰/۲۶) (۵۸).

تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ - درموردبرواتی که بایددرخارجه تادیه شوداقامه دعوی بر علیه برات دهنده ویاظهرنویسها مقيم ایران درظرف دوسال ازتاریخ اعتراض بایدبعمل آید.(۵۸/۱۰/۲۶)

ماده ۲۸۸ - هریک ازاظهرنویسهاخواهدازحقی که در ماده ۲۴۹ به اوداده شده استفاده نمایدبايدمواعدي که به موجب مواد ۲۸۷و۲۸۶ مقرراست اقامه دعوی کندونسبت به اموعدازفردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است واگر وجه برات رابدون اینکه برعلیه اقامه دعوی شده باشدتادیه نمایداز فردای روزتادیه محسوب خواهدشد.

ماده ۲۸۹ - پس ازانقضامواعدمقررده در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسهاوهمنین دعوی هریک ازاظهرنویسهاپریدسابق خوددرمحکمه پذيرفته نخواهدشد.

ماده ۲۹۰ - پس ازانقضامواعدم فوق دعوی دارنده وظهرنویسها برات بر علیه برات دهنده نيزپذيرفته نمی شودمشروط براینكه برات دهنده ثابت نمایددرسر وعده وجه برات رابه محال علیه رسانيده ودراینصورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهدداشت .

ماده ۲۹۱ - اگرپس ازانقضای موعدی که برای اعتراض وابلاغ اعتراض - نامه یابرای اقامه دعوی مقرراست برات دهنده یاهریک ازاظهرنویسها به طریق محاسبه یاعنوان دیگروجهی راکه برای تادیه برات به محال علیه رسانيده بودمسندرداردارد برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهدداشت که برعلیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

مبحث دهم : دراعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳ - اعتراض درمواردذیل بعمل می آید :

- ۱ - درموردنکول .

- ۲ - درموردامتناع ازقبول یانکول .

- ۳ - درمورعدعم تادیه .

اعتراض نامه بایددریک نسخه تنظیم وبموجب امرمحکمه بدایت به توسط ماموراجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود -

- ۱ - محال علیه .

- ۲ - اشخاصی که دربرات برای تادیه وجودعنالاقتضاءمعین شده اند.

- ۳ - شخص ثالثی که برات راقبoul کرده است .

اگردر محلی که اعتراض بعمل می آیدمحکمه بدایت نباشدوظایف اووبا رعایت ترتیب بعهده امين صلح یارئیس ثبت اسنادیحاکم محل خواهدبود.

ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه بایدمراقب ذیل راداراباشد -

- ۱ - سوادکامل برات باکلیه محتويات آن اعم ازقبولی وظهرنویسی و غیره .

- ۲ - امریبه تادیه وجه برات .

مامور اجراء باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجهه برات را بدھدو علل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراض نامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده برات جای گیر اعتراض نامه شود مگر در مواد مندرجہ در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات .

ماده ۲۹۶ - مامور اجراء باید سواد صحیح اعتراض نامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را نجام می دهند باید مفاد اعتراض نامه را روزبه روزبه ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد.

مبحت یازدهم : برات رجوعی

ماده ۲۹۸ - برات رجوعی برآتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ بعده برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر می کند.

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعی بعده برات دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن بعده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود مشارلیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آن جامعه ای تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برات رجوعی در آنجا صادر شده است برآید.

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می گردد -

- ۱ - اسم شخصی که برات رجوعی بعده او صادر شده است .
- ۲ - مبلغ اصلی برات اعتراض شده .

۳ - مخارج اعتراض نامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست وغیره .

۴ - مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (۲۹۹)

ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دونفر تاجر تصدیق شود بعلاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراض نامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ - هرگاه برات رجوعی بعده یکی از ظهرنویسها صادر شود بعلاوه بر مرتب مذکور در مواد ۳۰۱ باید تصدیق نامه که تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود.

ماده ۳۰۳ - نسبت به یک برات صورتحساب بازگشت متعددنمی توان ترتیب دادواگربرات رجوعی بعهده یکی از ظهرنویسها صادرشده باشد حساب بازگشت متولیابه توسط ظهرنویسها پرداخته می شود تا به برات دهنده اولی برسد.

تحمیلات براتهای رجوعی رانمی توان تمام بایکنفر وارد ساخت هر یک از ظهرنویسها و برات دهنده اولی فقط عهده داریک خرج است .

ماده ۳۰۴ - خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تادیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود.

مبحث دوازدهم : قوانین خارجی

ماده ۳۰۵ - در مردم برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است .

هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی وغیره) نیز که در خارجه بوجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات واستفاده از آن در خارجه باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم : در فته طلب

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عند المطالبه دروجه حامل یا شخص معین ویابه حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد -

۱ - مبلغی که باید تادیه شود باتمام حروف .

۲ - گیرنده وجه .

۳ - تاریخ پرداخت .

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مردم دفعه طلب نیز لازم الرعایه است .

فصل سوم : چک

ماده ۳۱۰ - چک نوشته ای است که بموجب آن صادر کننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلایا بعض امور را باید دیگری واگذار می نماید.

ماده ۳۱۱ - درچک بایدمحل و تاریخ صدور قیدشده و به امضای صادر کننده برسد ، پرداخت وجه نباید و عده داشته باشد.

ماده ۳۱۲ - چک ممکن است دروجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

ماده ۳۱۳ - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

ماده ۳۱۴ - صدور چک ولواینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویسها و اعتراض واقمه دعوی و ضمان و مفقوده شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند او اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

اگر دارنده چک در ظرف مواعده مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگری دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین بروند دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست .

ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آن را مضاء یا مهر نماید اگر چه چک دروجه حامل باشد.

ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چک هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است .

فصل چهارم : در مرور زمان

ماده ۳۱۸ - دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از ظرف تجاریابرای امور تجارتی صادر شده پس ازانقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً قرار بدهی واقع شده باشد که در این صورت مبداء مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است .

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می شود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلب هایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۳۰۱۲ و ۱۳۰۴ خرداد ۱۲۹۰ افرور دین صادر شده است قابل اجراء نبوده و این استناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوطه مرور زمان راجع به اموال منقوله است .

ماده ۳۱۹ - اگر وجهه برات یافته طلب یاچک رانتوان به واسطه حصول مروور زمان پنج سال مطالبه کرددارنده برات یافته طلب یاچک می تواند تاحصول مروور زمان اموال منقوله وجهه آن را از کسی که به ضررا و استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یافته طلب یاچک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم : اسناد در وجه حامل

ماده ۳۲۰ - دارنده هرسند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجهه آن محق محسوب می شود مگر در صورت ثبوت خلاف معذلک اگر مقامات صلاحیت دار قضائی یا پلیس تادیه وجهه آن سند را منع کند تادیه وجهه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکنست سند متعلق به او باشد ببری نخواهد کرد.

ماده ۳۲۱ - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوپن یا دارای ضمیمه ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق میدهد ربح یا منفعتی را مرتبادر یافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۳ - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعل اگم شده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافیست.

ماده ۳۲۴ - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید بوسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند، هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تاسه سال سند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد محکمه می تواند لدی الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند.

ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجهه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تامینی که محکمه تصویب نماید.

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن هائی که در ضمن جریان دعوی لازم التادیه می شود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می تواند بعلاوه علان در جراید یگر رانیز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود مکمله به مدعی مهلت متناسبی داده واخطر خواهد کرد که هرگاه تالق قضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند مکمله شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر را اعلان سند ابراز نگردد مکمله حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که مکمله مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند بخرج او سند جدید بالدى الاقضاة اوراق کوپن تازه به او بدهند اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیه خواهد داشت.

ماده ۳۳۲ - هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۲۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد داشد - مکمله در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد مدعیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از اقضای اجل در صورت موجل بودن ، به صندوق عدليه بسپارند.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از اقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار والوجهی که در صندوق عدليه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود.

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب ششم : دلای

فصل اول : کلیات

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدامی کند. اصول قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است .

ماده ۳۳۶ - دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصانیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در رهایت صحت و اوروی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات مطلع سازد ولواینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکندد لال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خودمی باشد ماده ۳۳۸ - دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را ب موقع اجراء گزارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است .

ماده ۳۴۰ - درموردی که فروش ازروی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تاموقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله اورا از این قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر دریک رشتہ یا رشتہ های مختلف دلالی کنندولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رای آنها شود مطلع نماید.

ماده ۳۴۲ - هرگاه معامله به توسط دلال واقع نوشتگات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط اوردو بدل شود در صورتی که امضاهار ارجع به اشخاصی باشد که به توسط اوم معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتگات و اسناد مذبور است.

ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط اومی شود نیست.

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده ۳۴۵ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده ۳۴۶ - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الامسئول خسارات وارد بوده و بعلاوه به پانصد تاسه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۷ - در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد باید آمر خود متضامنا مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم : اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمائی یا وساطت اوتمام شده باشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجاری محل از طرف مذبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در مامانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعليقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کنده او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولآنکه معامله سرنگیرد.

همین ترتیب درموردی نیز جاری است که عرف تجاری محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - درصورتی که معامله به رضایت طرفین با به واسطه یکی از خیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط براینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

مواد ۳۵۴ و ۳۵۵ - با توجه به ماده ۱۳ قانون دلالان مصوب سال ۱۳۱۷ و آئین نامه دلالان معاملات ملکی مصوب سال ۱۳۱۹ با اصلاحیه های بعدی ، نسخ گردید

فصل سوم : دفتر

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید -

۱ - اسم متعاملین

۲ - مالی که موضوع معامله است .

۳ - نوع معامله .

۴ - شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است .

۵ - عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه تقداست یامال التجاره یابرات درصورتی که بر اثر باشده رویت است یا به وعده .

۶ - امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدله .

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است .

باب هفتم : حق العمل کاری (کمیسیون)

ماده ۳۵۷ - حق العمل کارکسی است که به اسم خودولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت به اواطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین

میزان خسارت بحری (آواری) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الامسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار میتواند و حتی در صورتی که منافعی آمر ایجاب میکند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجاست یا نماینده او به فروش رساند.

ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخردیابه بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشدیا پیش قسطی دهد پررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذلک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجاری محل باشد حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه ویا نجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخص اضامانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجاری بلداور امسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعدة که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعه به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می تواند مخارج اینبارداری و حمل و نقل رانیز به حساب آمر گذارد.

ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجراء شده و یا عدم اجرای آن مستندیه فعل آمر باشد نسبت به اموری که درنتیجه علل دیگری انجام پذیرنشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف وعادت محل معین می نماید.

ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود علاوه در دو صورت اخیر آمر می تواند خود حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست.

ماده ۳۷۱ - حق العمل کاردرمقابل آمربرای وصول مطالبات خودازاو نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده ویانسبت به قیمتی که اخذکرده حق حبس خواهدداشت.

ماده ۳۷۲ - اگرفروش مال ممکن نشده ویآمرازاجازه فروش رجوع کرده ومال التجاره رابیش ازحدمعارف نزدحق العمل کاربگذاردحق العمل کار می تواندآنرابانظرارت مدعی العموم بدایت محل یانمایندابطريق مزایده به فروش برساند.اگرآمردر محل نبوده ودرآنجانماینده نیزنداشته باشد فروش بدون حضوراویانماینده اوبعمل خواهدآمدولی درهرحال قبلابایدبه او اخطاریه رسمي ارسال گرددمگراینکه اموال ازجمله اموال سریع الفسادباید.

ماده ۳۷۳ - اگرحق العمل کارماموریه خریدیافروش مال التجاره یا استنادتجارته یا سایراوراق بهادری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواندچیزی راکه ماموریه خریدآن بوده خودشخصابه عنوان فروشنده تسلیم بکندویاچیزی راکه ماموریه فروش آن بوده شخصابعنوان خریدارنگاهدارد مگراینکه آمردستورمخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ - درموردماده فوق حق العمل کاربایدقیمت راپرطبق مظنه بورسی یانرخ بازاردرروزی که وکالت خودرالنجام می دهدمنظورداردوحق خواهدداشت که هم حق العمل وهم مخارج عادیه حق العمل کاری راپرداشت کند.

ماده ۳۷۵ - درهرموردی که حق العمل کارشخصامی تواندخریداریافروشنده واقع شوداگرانجام معامله رابه آمربدون تعیین طرف معامله اطلاع دهدخود طرف معامله محسوب خواهدشد.

ماده ۳۷۶ - اگرآمرازامرخودرجوع کرده حق العمل کارقبل ازارسال خبر معامله ازاین رجوع مستحضرگرددیدگرنمی تواندشخصابخیریداریافروشنده واقع شود.

باب هشتم : قرارداد حمل ونقل

ماده ۳۷۷ - متصدی حمل ونقل کسی است که درمقابل اجرت حمل اشیاءرابه عهده می گیرد.

ماده ۳۷۸ - قراردادحمل ونقل تابع مقررات وکالت خواهدبودمگردر مواردی که ذیلاستثناعشده باشد

ماده ۳۷۹ - ارسال کننده بایدنکات ذیل رابه اطلاع متصدی حمل ونقل برساند - آدرس صحیح مرسل الیه ، محل تسلیم مال ، عده عدل ، یابسته وطرز عدل بندی ، وزن ومحتوی عدلهها ، مدتی که مال باید درآن مدت تسلیم شودراهی را که حمل بایدازآن رابعمل آید ، قیمت اشیائی که گرانبهااست خسارات ناشیه ازعدم تعیین نکات فوق ویاازتعیین آنهابه غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ - ارسال کننده باید مواظبت نمایدکه مال التجاره بطرز مناسبی عدل بندی شود. خسارات بحری (آواری) ناشی ازعيوب عدل بندی بعهده ارسال کننده است .

ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده ۳۸۲ - ارسال کننده می تواند مدام که مال التجاره دریده متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.

ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند :

۱ - در صورتی که بارنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

۲ - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال - کننده نتواند آن را پس دهد.

۳ - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴ - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مدام که مال التجاره به مقصد رسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ - اگر مرسل الیه مال التجاره را قبل نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تایید نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب رابه اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاهداشت و یا نزد هر ثالثی امانت گذارد و در هردو صورت مخارج و هر نقص و عیب بعده ارسال کننده خواهد بود. اگر مرسل کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را بفروش رساند.

ماده ۳۸۵ - اگر مال اتجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که میتوان بر آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند.

حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبوق نمود.

ماده ۳۸۶ - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یامستندبه تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده ۳۸۷ - درمورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.

خسارات مزبورنمی توانداز خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مامور کرده باشد.

بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع اوبه متصدی حمل و نقلی که از جانب او مامور شده محفوظ است.

ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده ۳۹۰ - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تاختم اختلاف در صندوق عدليه امانت گذارد.

ماده ۳۹۱ - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن نادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع واحوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی عمل آمده باشد مشاهده کرده و فورا پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد در هر حال این اطلاع باید منتهای هشت روز بعد از تحويل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیت دار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارد شده و یا لدی الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.

بوسیله پرداخت تمام مخارج وجوهی که بابت مال التجاره ادعامی شود و یا سپردن آن به صندوق عدليه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است. مبداء این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم : قائم مقام تجاری وسایر نمایندگان تجاری
ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجاری کسی است که رئیس تجارت خانه اور ابرای انجام کلیه امور مربوطه به تجارت خانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرارداده و امضای او برای تجارت خانه الزام آور است سمت مزبور ممکن است کتابداره شود یا عامل.

ماده ۳۹۶ - تجدید اختیارات قائم مقام تجاری در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست .

ماده ۳۹۷ - قائم مقامی تجاری ممکن است به چند نفر مجتمع معاداده شود با قید اینکه تمام امضاء نکنند تجارت خانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدیله به ثبت رسیده واعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ - قائم مقام تجاری بدون اذن رئیس تجارت خانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارت خانه نایب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده واعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدیله به ثبت رسیده واعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.

ماده ۴۰۰ - با فوت یا حجر رئیس تجارت خانه قائم مقام تجاری منعزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجاری منعزل است .

ماده ۴۰۱ - وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارت خانه یا شعبه تجارت خانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است .
باب دهم : ضمانت

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضانماید که بدوا به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به ارجاع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکارمی تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمارجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست ولواین که بواسطه ورشکستگی یافوت مدیون اصلی دین موجل احوال شده باشد.

ماده ۴۰۶ - ضمان حال از قاعده فوق مستثنی است .

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همین که دین اصلی به نحوی ازانجاع ساقط شد ضامن نیز بری می شود.

ماده ۴۰۹ - همین که دین حال شد ضامن می تواند مضمون له رابه دریافت طلب یا نصراف از ضامن ملزم کند ولوضمان موجل باشد.

ماده ۴۱۰ - استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا المتناع از تسلیم وثیقه اگر دین باویشه بوده ضامن رافورا و بخودی خودبری خواهد ساخت .

ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به اوداده و اگر دین اصلی باویشه باشد آن رابه ضامن تسلیم نماید ، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفاتی است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است .

باب یازدهم : در ورشکستگی

فصل اول : در کلیات

به قانون نصفیه امور ورشکستگی که بعدا تصویب شده مراجعته شود

ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجریا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وحوه که بر عهده او است حاصل می شود . حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت درحال توقف بوده تایک سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود .

فصل دوم : در اعلان ورشکستگی واثرات آن

ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود رابه دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی وکلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید .

ماده ۴۱۴ - صورت حساب مذکور در ماده فوق بایدمورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد -

۱ - تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح .

۲ - صورت کلیه قروض و مطالبات .

۳ - صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی .

در صورت توقف شرکتهای تضامنی ، مخلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود .

ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود -

الف - برحسب اظهار خود تاجر.

ب - بمحض تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها.

ج - برحسب تقاضای مدعی العموم.

ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است.

ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرامی شود.

ماده ۴۱۸ - تاجر و رشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی و رشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی و رشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر و رشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یاب طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند در و دستور خواهد بود. تاجر و رشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

ماده ۴۲۱ - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل بارعايت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می شود.

ماده ۴۲۲ - هرگاه تاجر و رشکسته فته طلبی داده یابراتی صادر کرده که قبول نشده یابراتی را قبول نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیه وجه فته طلب یابرات می باشد باید بارعايت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقدا پردازند یا تادیه آن را در سروعه تامین نمایند.

ماده ۴۲۳ - هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود -

۱ - هر صلح محاباتی یا بهبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلا عوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

۲ - تادیه هر قرض اعم از حال یا موجل به رو سیله که بعمل آمده باشد.

۳ - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقيد نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.

ماده ۴۲۴ - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنهای ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادائی دین یا برای اضراری طلبکارها معامله نموده که متناسب ضرری بیش از چهار قیمت حین المعامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگراینکه طرف معامله قبل

از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را پردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود.

ماده ۴۲۵ - هرگاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسليم و قیمت حین المعامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر به غرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یامسیو ق به تبانی بوده است آن معامله خود بخوبی باطل و عین ومنافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حاصله خواهد بود.

فصل سوم : در تعیین عضوانظر

ماده ۴۲۷ - در حکمی که بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می شود محکمه یک نفر را به سمت عضواناظر معین خواهد کرد.

ماده ۴۲۸ - عضواناظر مکلف به نظارت دراداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آنست

ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضواناظر به محکمه راپورت خواهد داد.

ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضواناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده

ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمه است که عضواناظر است رامعین کرده .

ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه می تواند عضواناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

فصل چهارم : در اقدام به مردمون و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مردمون رانیز میدهد.

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً به توسط عضواناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده ۱۳ و ۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در موقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره وتسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده ۴۳۷ - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یاتمام یا قسمی از دارائی خود را مخفی نموده باشد این صلح می‌تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتگات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود.

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنهانی ز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بمحبوب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم : در مدیر تصفیه

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهای ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می‌کند.

ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمی که بمحبوب این قانون معین شده بر طبق نظام نامه ای که طرف وزارت عدله تنظیم می‌شود معین خواهد شد.

ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدله معین خواهد کرد.

فصل ششم : در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول : در کلیات

ماده ۴۴۳ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مجبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ - عضواناظربه تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می‌دهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقيف خارج نماید.

۱ - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر و روشکسته و خانواده اولازم است.

۲ - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

۳ - اشیائی که برای بکار آنداختن سرمایه تاجر و روشکسته واستفاده از آن لازم است در صورتی که توقيف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاهداشت آنها مفید نیست و همچنین بکارانداختن سرمایه تاجر و روشکسته بالجاذه عضوناظربه توسط مدیر تصفیه بعمل می آید.

ماده ۴۴۶ - دفتردار محکمه دفاتر تاجر و روشکسته رابه اتفاق عضوناظريا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقيف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می نماید.

دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند ، اوراق هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تامینیه بعمل آید از توقيف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحويل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می شود به عضوناظر تسلیم می گردد ، سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مراسلاتی که به اسم تاجر و روشکسته می رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط اوبازمی شود و اگر خود روشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ - تاجر و روشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعماشه نداشته باشد می تواند نفقة خود و خانواده اش را زدارای خود در خواست کند. در این صورت عضوناظر ترقه و مقدار آنرا با تصویب محکمه معین می نماید.

ماده ۴۴۸ - مدیر تصفیه تاجر و روشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشده با حضور عضوناظر اقدام بعمل خواهد آمد ، تاجر و روشکسته می تواند در موقع کلیه عمیقات تامینیه حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ - در صورتی که تاجر و روشکسته صورت دارای خود را تسلیم ننموده باشد مدیر تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند.

ماده ۴۵۰ - عضوناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و احوال و روشکستگی از تاجر و روشکسته و شاگرد ها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم : در رفع توقيف و ترتیب صورت دارایی

ماده ۴۵۱ - مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقيف شروع به تنظیم صورت دارایی و تاجر و روشکسته را هم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست .

ماده ۴۵۲ - مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقيف می شود صورت دارایی را در دونسخه تهیه می نماید.

یکی از نسخین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد اموال ماند.

ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴ در تحت توقيف نیامده ولی قبل از تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه از وضعیت و رشکستگی و همچنین از علل واوضاعی که موجب آن شده و نوع و رشکستگی که ظاهر بینظر می آید ترتیب داده بعض ناظر بدهد، عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به مدعی العموم ابتدائی محل تسلیم می نماید.

ماده ۴۵۵ - صاحب منصبان پارکه می تواند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر و رشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتگات مربوط به رشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم : در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتگات واثایه (بغیر از مستثنیات دین) (واسیاء تاجر و رشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می شود).

ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه بانتظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند بالاجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبل از اظهارات تاجر و رشکسته را استماع یا الاقل مشاراً لیه را برای دادن توضیحات احضار کند ترتیب فروش بمحض نظم ائمه وزارت عدله معین خواهد شد.

ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها دار آن ذینفع می باشد مدیر تصفیه بالاجازه عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگرچه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر و رشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگراینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر و رشکسته احضار می شود و در هر صورت مشاراً لیه حق دارد که به صلح اعتراض کند، اعتراض و رشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ - وجوهی که به توسط مدیرتصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدیله محل تسليم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل و رشکسته اعم از عایادات و مخارج بازمی کند و جوهه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضوناظر و تصدیق مدیرتصفیه.

مبحث چهارم : در اقدامات تامینیه

ماده ۴۶۱ - مدیرتصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت اقدامات تامینیه برای حفظ حقوق تاجر و رشکسته نسبت به مدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم : در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم و رشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیرتصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدیله معین شده ، اسناد طلب خود را سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسليم کرده قبض دریافت دارند.

ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضوناظر معین می گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می شود. ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب اوت تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حق تنشیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبکاری که سابق اوت تشخیص شده یا فعلی در تحت رسیدگی است اعتراض نماید، همین حق را خود تاجر و رشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و کلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سندداده می شود و تعیین قلم خوردنگی یا تراشیدگی یا بالحاقات بین السیطونیز باید در صورت مجلس قیدواین نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فيه است.

ماده ۴۶۶ - عضوناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهدیا ز محکمه محل تقاضانماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیرتصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء می نماید و عضوناظر نیز آن را تصدیق می کند.

جز و قروض ... مبلغ ... قبول شد به تاریخ

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدیله معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازع فيه واقع شد عضوناظر می تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضوناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که

باحضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اسخاصلی را که می تواند راجع به این طلب اطلاعاتی دهنده عضو ناظر احصار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امردهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارهای برای ترتیب قرارداد اتفاقی به تأخیر افتاد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مجبور منعقد شود.

ماده ۴۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قراردهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه درقرار مذبور معین می کند موقتا طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارهای برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده ۴۷۱ - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تأخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتا جزو طلبکاران قبول نماید و مدام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مذبور نمی تواند بهیج وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده ۴۷۲ - پس از انقضای مهلت های معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ به ترتیب قرارداد اتفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده ۴۷۳ - طلبکارهایی که در مواد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکرده نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد از عمل آید جزء غرما حساب می شود بدون اینکه حق داشته باشد حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۴۷۴ - اگر اسخاصلی نسبت به اموال متصرفی تاجر و روشکسته دعوی خیاراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نمود و بموضع اجراء گذارند.

ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیاراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر و روشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یادیگران دارد مشروط براینکه ضرر طلبکارهای باشد.

فصل هفتم : در قرارداد اتفاقی و تصفیه حساب تاجر و روشکسته
مبحث اول : در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظام نامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده به توسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهای را که طلب آنها تشخیص و تصدیق

یاموقتاقبول شده است برای مشاوره دراعقادقراردادارفاقي دعوت می نماید ، موضوع دعوت
مجمع طلبکارهادررقة های دعوت واعلانات مندرجه درجرایدبایدتصريح شود.

ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مذبوردر محل وروزوساعته که ازطرف عضوناظر معین شده است
درتحت ریاست مشارالیه منعقدمی شود.طلبکارهائی که طلب آنها موقتاقبول گردیده یاوكیل ثابت
الوکاله آنها حاضرمی شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضارمی شود مشارالیه
باید شخصا حاضر گردد فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته وصحت آن به
تصدیق عضوناظر رسیده باشد.

ماده ۴۷۸ - مدیرتصفیه به مجمع طلبکارهاراپورتی ازوضعیت ورشکستگی واقداماتی که بعمل
آمده و عملیاتی که بالاستحضار تاجر ورشکسته شده است میدهدراپورت مذبوربه امضاء مدیرتصفیه
رسیده به عضوناظر تقدیم می شود و عضوناظربایداز کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع
طلبکارهاصورت مجلس ترتیب دهد.

مبثت دوم : درقرارداد ارفاقی

فقره اول : در ترتیب قراردادارفاقي

ماده ۴۷۹ - قراردادارفاقي بین تاجر ورشکسته وطلبکارهای اومنعقد نمی شود مگر پس از اجرای
مراسmi که در فوق مقرر شده است .

ماده ۴۸۰ - قراردادارفاقي فقط وقتی منعقدمی شود که لااقل نصف بعلاوه یک
نفر از طلبکارهابداشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم افصل ششم
تشخیص وتصدیق شده یاموقتاقبول گشته است درآن قرارداد شرکت نموده
باشند و الابا خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هرگاه در مجلس قراردادارفاقي اکثریت طلبکارهاعددا حاضر شوند ولی از حیث مبلغ
دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی
راحائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق وقرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعدداده می
شود.

ماده ۴۸۲ - طلبکارهائی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده وصورت
مجلس را المضاعنموده اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم
خود تغییری دهنند ولی اگر حاضر نشدنند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است ، اگر در جلسه
ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قراردادارفاقي قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی
شود در موقعي که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می شود لازم است طلبکارهادعوت
شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قراردادارفاقي تصمیم

خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باشد طبکارهای حاضر از حیث عده و مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ادارفaci شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ادارفaci ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طبکارهای توانند تاحصل نتیجه تعقیب و بارعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را به تأخیر بیاندازند.

ماده ۴۸۵ - کلیه طبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ادارفaci داشته اند می توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و لا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می کند احضار می شوند.

ماده ۴۸۶ - قرارداد ادارفaci باید به تصدیق محکمه بر سرو هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند می توانند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیم راجع به تصدیق اتخاذ نماید هر گاه در ظرف این مدت از طرف طبکارهای که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ادارفaci حکم واحد صادر کند اگر اعتراضات تصدیق شود نسبت به تمام اشخاص ذیفع بلا اثر می شود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آنکه محکمه در باب تصدیق قرارداد را دهد عضو ناظر باید را پورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرره محکمه از تصدیق قرارداد ارفaci امتناع خواهد نمود.

فقره دوم : دراثرات قرارداد ادارفaci

ماده ۴۸۹ - همین که قرارداد ادارفaci تصدیق شد نسبت به طبکارهای که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را مضعه نموده اند قطعی خواهد بود ولی طبکارهای که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده اند می توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به طلب کارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تایید تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفaci شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبورا مضعه نموده اند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قراردادارفاقي دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگراینکه پس از تصدیق مکشوف شود که درمیزان دارائی یامقدارقروض حیله بکاررفته وقدرحقیقی قلمدادنشده است .

ماده ۴۹۱ - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قراردادقطعی شدمدیرتصفیه صورت حساب کاملی باحضور عضواناظربه تاجر ورشکسته می دهد که درصورت عدم اختلاف بسته می شود . مدیرتصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشت捷ات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قراردادارفاقي را المضاعنكرد اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسیدمی گیردوپس از آنکه قراردادیه سهم طلبکاران مذکور را داده مأموریت مدیرتصفیه ختم می شود ، ازتمام این مراتب عضواناظر صورت مجلس تهیه می نماید و مأموریتش خاتمه می یابد . درصورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد .

فقره سوم : در ابطال یافسخ قراردادارفاقي

ماده ۴۹۲ - در موارد ذیل قراردادارفاقي باطل است -

۱ - در مورد محاکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب .

۲ - در مورد ماده ۴۹۰ .

ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قراردادارفاقي را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی می شود .

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قراردادارفاقي را جرائعنکرد . ممکن است برای فسخ قرارداد از بوربر علیه او اقامه دعوی نمود .

ماده ۴۹۵ - در صورتی که اجرای تمام یا قسمی از قرارداد را یا چندیفر ضمانت کرده باشند طلب کارهای توافقنداجرای تمام یا قسمی از قرارداد را که ضامن دارد از او خواهند در مورد آخر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود ، در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است .

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقيف یا حبس در آیدم حکمه می تواند هر قسم وسائل تامینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع می شود .

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یافسخ قراردادارفاقي محکمه یک عضواناظر و یک مدیرتصفیه معین می کند .

ماده ۴۹۸ - مدیرتصفیه می تواند دارائی تاجر را توقيف و مهر و موم نماید مدیرتصفیه فوراً زروی صورت دارائی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشت捷ات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارائی ترتیب می دهد ، مدیرتصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای

جدیدرا اگر باشد دعوت نماید که در ظرف یکماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند ، در اعلان مزبور مقادر محکمه که بموجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود ، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یاتصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی آید ، مطالباتی که تمام یاقسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده ۵۰۰ - معاملاتی که تاجر و رشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قراردادار فاقد تاصدor حکم بطلان یافسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصداً ضرر ایجاد شود و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا بطلان قراردادار فاقد دارائی تاجر بین طلبکاران اتفاقی واشخاصی که بعد از قراردادار فاقد طلبکار شده اند به غرما تقسیم می شود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبکاران اتفاقی بعد از توقف تاجر تازمان فسخ یا بطلان چیزی گرفته اند ماخوذی آنها لازم جهی که به ترتیب غرما به آنها می رسد کسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هرگاه تاجری و رشکسته و امرش منتهی به قراردادار فاقد گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور بطلان یافسخ شود و رشکسته شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجراء است.

مبحث سوم : در تفریغ حساب و ختم عمل و رشکستگی

ماده ۵۰۴ - اگر قراردادار فاقد منعقد نشده مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل و رشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده ۴۸۰ موافق نماید محکمه مبلغی را برای اعشه و رشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد.

ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی ، مختلط یا نسبت و رشکست شود طلبکارها می توانند قراردادار فاقد را با شرکت یامنحضرابایک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرما تقسیم می شود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قراردادار فاقد منعقد شده است به غرما تقسیم نخواهد شد شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت تضامنی مبرأ است .

ماده ۵۰۷ - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر و رشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا بخود مدیر تصفیه این ماموریت را بدeneند.

ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق مقرر می دارد باید مدت وحدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می تواند برای مخارج لازمه پیش

خودنگاهدار دمیعنی گردد ، تصمیم مذکور اتخاذ نمی شود مگر با حضور عضو ناظر و بالا کثیریت سه ربع از طبکارها عدد او مبلغاً خود تاجر و رشکسته و همچنین طبکارهای مخالف (بار عایت ماده ۴۷۳) می توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند این اعتراض اجرای تصمیم رابه تاخیر نمی اندازد.

ماده ۵۰۹ - اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت و رشکسته را دامنه میدهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حددارائی تاجر و رشکسته است فقط طبکارهایی که آن اجازه را داده اند شخصاً علاوه بر حصه که در دارائی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده اند مسئول تعهدات مذکوره می باشد.

ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر و رشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر و رشکسته رابه فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق اور اصلاح و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضوناظر و با حضور تاجر و رشکسته بعمل می آید اگر تاجر و رشکسته از حضور استنکاف فروش اموال مطابق نظام نامه وزارت عدله بعمل خواهد آمد.

ماده ۵۱۱ - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسیده عضوناظر طبکارها و تاجر و رشکسته را دعوت می نماید در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده ۵۱۲ - هرگاه اموالی در اجاره تاجر و رشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا بقاء اجاره به نحوی که موافق منافع طبکارها باشد اتخاذ تصمیم می کند اگر تصمیم بر فسخ اجاره شده صاحبان اموال مستأجره از بابت مال اجاره که تا آن تاریخ مستحق شده اند جزء غرما منظور می شوند ، اگر تصمیم بر بقاء اجاره بوده و تامیناتی هم سابق باید اجاره نامه بموجرداده شده باشد آن تامینات ابقاء خواهد شد و الاتامیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد ، در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موجر اراضی به فسخ نشود حق مطالبه تامین را نخواهد داشت .

ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضوناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط براینکه بمحض قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تامین پرداخت مال اجاره را بنماید به مالک اموال مستأجر داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره نامه را ب موقع خود اجارا کند.

فصل هشتم : در اقسام مختلفه طبکارها و حقوق هر یک از آنها

مبحث اول : در طبکارهایی که رهینه منقول دارند

ماده ۵۱۴ - طبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قیدمی شوند.

ماده ۵۱۵ - مدیرتصفیه می تواند در هر موقع بالاجازه عضوناظر طلب طبکارهارا داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزءداری تاجر و رشکسته منظور دارد.

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فک نشود مدیرتصفیه باید با نظر ارت مدعی العموم آن را بفروش بر ساندو مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طبکارها باشد مازاده مدیرتصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزء طبکارهای عادی غرما منظور خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - مدیرتصفیه صورت طبکارهای را که ادعای وثیقه می نمایند به عضوناظر تقدیم می کند، عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می شود پرداخته گردد. در صورتی که نسبت به حق وثیقه طبکارها اعتراضی داشته باشد به محکمه رجوع می شود.

مبحث دوم : در طبکارهای که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدیم دارند

ماده ۵۱۸ - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده قبل از تقسیم دارائی منقول یاد رهمان حین بعمل آمده باشد طبکارهای که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبوره کفايت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب خود جزء غرما معمولی منظور و از وجوهی که برای غرما مزبور مقرر است حصه می برنند مشروط براین که طلب آنها بطوری که قبل از تقدیم شده باشد.

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده وجهی از بابت دارائی منقول تقسیم شود طبکارهای که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق واعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزء غرما وارد دواز و جوه حصه می برنند ولی عنداقتضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیر منقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده ۵۲۰ - در مورد طبکارهای که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طبکارهای توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیر منقول طلب خود را تمام اوصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود.

اگر طبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیر منقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیر منقول به آنها تعلق می گیرد موضوع و به حصه که باید بین طبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می گردد و بقیه طبکارهای که در اموال غیر منقول ذیحق بوده اند برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جزء غرما محسوب شده حصه می برند

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طبکارهای دیگر بعضی از طبکارهای که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزء غرما محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد اتفاقی وغیره با غرما می شود با آنها نیز بعمل خواهد آمد.

فصل نهم : در تقسیم بین طبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی واعانه که ممکن است به تاجر و رشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتازه تادیه گردد مجموع دارائی منقول بین طبکارهایه نسبت طلب آنها که قبل از تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد.

ماده ۵۲۳ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را ب تعیین وجه موجوده به عضوناظمی دهد. عضومذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجه مذبور بین طبکارهای داده مبلغ آن رامعین و مواظبت می نماید که به تمام طبکارها اطلاع داده شود.

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسیم وجه بین طبکارها حصه طبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارائی و قروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مذبور صحیح دار صورت دارائی و قروض منظور نشده باشد عضوناظمی تواند حصه موضوعی را زیاد کند برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد.

ماده ۵۲۵ - وجودی که برای طبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امامت به صندوق عدیه سپرده خواهد شد. اگر طبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مذبور بین طبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گرد و جویی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده ۵۲۶ - هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را بعلاملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می کند عضوناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طبکارهای سید و جه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طبکارهایه استحضار تاجر و رشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یاقسمتی از حقوق و مطالبات تاجر و رشکسته را که هنوز وصول نشده بطوری که صرفه و صلاح تاجر و رشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهد را این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد در این خصوص هر طبکاری تواند به عضوناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را تأخذ بنمایند.

فصل دهم : در دعوی استرداد

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجاری به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدار دویا به مصرف معینی برساندو وجه اوراق مذبور وصول یا تادیه

نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر و رشکسته موجود باشد صاحبان آن می‌توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ - مال التجاره هایی که در نزد تاجر و رشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مدام که عین آنها کلاً یا جزء از نزد تاجر و رشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ - مال التجاره هایی که تاجر و رشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر و رشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر و رشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر و رشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر و رشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۲ - اگر مال التجاره که برای تاجر و رشکسته حمل شده قبل از وصول از از روی صورت حساب یابارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صوری نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی‌شود و الاموافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت حمل و حق کمیسیون و بیمه وغیره تادیه شده یا زاین بابت ها باید تادیه بشود به طلبکارها پردازند.

ماده ۵۳۳ - هرگاه کسی مال التجاره به تاجر و رشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر و رشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می‌تواند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ - در مردود ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضانماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر و رشکسته مقرر شده است پردازد.

ماده ۵۳۵ - مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده ناظر حکم مقتضی را میدهد.

فصل یازدهم : در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده ۵۳۶ - حکم اعلان و رشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان و رشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده ۵۳۷ - اعتراض بایدازطرف تاجر و رشکسته در ظرف ده روزوازطرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه واژطرف آنهاei که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه بعمل آیدابتداei مدت‌های مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می‌شود.

ماده ۵۳۸ - پس ازانقضاءمهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارهاراجع به تعیین تاریخ توقف به غیرآن تاریخی که بموجب حکم و رشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد، همین که مهلت های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی وغیرقابل تغییر خواهد بود.

ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم و رشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قراره رشش فرسخ یک روز اضافه می‌شود.

ماده ۵۴۰ - قرارهای ذیل قابل اعتراض واستیناف تمیز نیست.

۱ - قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضوناظر یا مدير تصفیه.

۲ - قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر و رشکسته یا خانواده او.

۳ - قرارهای فروض اسباب یامال التجاره که متعلق به و رشکسته است.

۴ - قرارهایی که قراردادار فاقی راموقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات ممتاز فیه رامقر رمی دارد.

۵ - قرارهای صادره در خصوص شکایت ازاومری که عضوناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

باب دوازدهم : در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول : در ورشکستگی به تقصیر

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل و رشکسته به تقصیر اعلان می‌شود.

۱ - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.

۲ - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمد صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یانفع آن منوط به اتفاق محض است.

۳ - اگر به قصد تاخیر اندختن و رشکستگی خود خریدی بالاتر یافروشی نازل تراز مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصدوسائلی که دور از صرفه است بکاربرده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقرارض یا صدور بررات یا بطریق دیگر باشد.

۴ - اگر یکی از طلبکارهار اپس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب اورا پرداخته باشد.

ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر و رشکسته ممکن است و رشکسته به تقصیر اعلان شود -

۱ - اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظربه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

۲ - اگر عملیات تجاری اومتوقف شده و مطابق ماده ۱۳۴ این قانون رفتار نکرده باشد.

۳ - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفاتر نداشته یاد فاترا و ناقص یا بی ترتیب بوده یاد ر صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را عم از قروض و مطالبات بطور صريح معین نکرده باشد (مشروط براینکه در این موارد مرتكب تقلیب نشده باشد).

ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از عماه تاسه سال حبس تادیبی است.

ماده ۵۴۴ - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یاهریک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه بعمل می آید.

ماده ۵۴۵ - در صورتی که تعقیب تاجر و روشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچوجه نمی توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ادارافاقی مامورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت های معینه در قرارداد.

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شده به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر و روشکسته مراجعه نماید.

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر و روشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارها حاضر.

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می آید در صورت محکومیت تاجر و روشکسته بعهده دولت و در صورت برائت ذمه بعهده تعقیب کننده است.

فصل دوم : در ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۹ - هر تاجر و روشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و هم چنین هر تاجر و روشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مديون نمی باشد مديون قلمداد نموده است و روشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جز اجازات می شود.

ماده ۵۵۰ - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم الرعایه است.

فصل سوم : درجنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند

ماده ۵۵۱ - درمورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهد شد :

۱ - اشخاصی که عالمابه نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیر منقول اور ازال Mizan ببرندی پیش خودنگاه دارند یا مخفی نمایند.

۲ - اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ الزام داده باشد.

ماده ۵۵۲ - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و واعمال مندرجہ در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می باشند.

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارکیه اموال اور ازال Mizan ببرندی مخفی نمایند یا پیش خودنگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل ولواینکه متهم تبرئه شده باشد حکم بدهد

۱ - راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طبکارها ، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

۲ - راجع به ضرر و خسارتی که ادعا شده است .

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ - هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا بادیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد بنفع مرتکب و به ضرر طبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۷ - کلیه قرارهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است . طرف قرارداد مجبور است که وجهه یا اموالی را که بمحض قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیحق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که بمحض این فصل یا به موجب فصول سابق صادر شود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم : در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقسیر یا به تقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یابه تقلب تعقیب و محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتگات واوراق و اطلاعات لازمه و رابه او بدهد.

باب سیزدهم : در اعاده اعتبار

ماده ۵۶۱ - هر تاجر و روشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً پردازد حق اعاده اعتبار می نماید.

ماده ۵۶۲ - طلبکار هانمی توانند از جهت تاخیری که در اداء طلب آنها شده است برای بیش از پنج سال مطالبات متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب شد.

ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است و لوایتکه نسبت به شخص او قرارداد اتفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقود الثیر یا غایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر و روشکسته باید وجوهی را که به آنها مديون است به اطلاع مدعی العموم در صندوق عدليه بسیار دوه مینکه تاجر معلوم کرد این وجه را سپرده است برای الذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ - تاجر و روشکسته در دو مردمتیل پس از ثبات صحبت عمل در مردمت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می توانند اعتبار خود را اعاده نمایند -

۱ - تاجر و روشکسته که تحصیل قرارداد اتفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد بعده گرفته است پرداخته باشد ، این ترتیب در مردمت شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد اتفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.

۲ - تاجر و روشکسته که کلیه طلبکاران ذمه اور ابری کرده یا به اعاده اعتبار اور ضایع داده اند.

ماده ۵۶۶ - عرضحال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبته آن به مدعی العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است .

ماده ۵۶۷ - سواداین عرضحال در مردمت یکماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در داداره مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود بعلاوه دفتردار محکمه باید عرضحال مذبور رابه کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر و روشکسته یا بعد از آن تصدیق شده

و هنوز طلب خود را بطبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می تواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرضحال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبته به دفتر محکمه بدایت داده می شود ب عمل می آید. طلبکار معتبرض می تواند ب موجب عرضحال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار ب طور شخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ - پس از اتفاق پایی موعد نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم ب عمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می شود رئیس مجبور در صورت لزوم مدعی و معتبرضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک راسنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در هر صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده ۵۷۲ - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکارهای معتبرض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند، محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۶۱ حکم صادر می کند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرضحال اعاده اعتبار دشود تجدید ممکن نیست مگر پس از اتفاق پایی شش ماه.

ماده ۷۵۴ - اگر عرضحال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامات تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامات تاجر در حوزه محکمه که حکم می دهد نباشد درستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مذبور اشاره می شود.

ماده ۵۷۵ - ورشکسته به تقلب وهم چنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مدام امی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجاری اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم : اسم تجاری

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجاری اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدیله ثبت آن را لازمی کند.

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارت خانه که شریک در تجارت خانه ندارد نمی تواند اسمی برای تجارت خانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ - اسم تجاری ثبت شده راهیچ شخص دیگری درهمان محل نمی تواند اسم تجاری خودقرارده دولاینکه اسم تجاری ثبت شده بالاسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده ۵۷۹ - اسم تجاری قابل انتقال است .

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجاری پنجسال است .

ماده ۵۸۱ - درمواردی که ثبت اسم تجاری الزامی شده و در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت .

ماده ۵۸۲ - وزارت عدلیه بموجب نظامنامه ترتیب اسم تجاری واعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجاری رامعین خواهد کرد.

باب پانزدهم : شخصیت حقوقی

فصل اول : اشخاص حقوقی

ماده ۵۸۳ - کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده ۵۸۴ - تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجاری تاسیس یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدامی کنند.

ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق الثبت موسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد املاک است .

ماده ۵۸۶ - موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف بالانتظامات عمومی یا نامشروع است نمی توان ثبت کرد.

ماده ۵۸۷ - موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند.

فصل دوم : حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبعی فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت نبوت و امثال ذلك .

ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است .

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است .

باب شانزدهم : مقررات نهائی

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتی که سابق تجاریا شرکتها و موسسات تجاری به اعتباریش از یک امضاء کرده اند خواه بعضی از امضاء کنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه بعنوان دیگر طلبکاری تو اندبه امضاء کنندگان مجتمعاً یا منفرد ارجوع نمایند.

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها دارد دقاطع مروزمان نسبت به دیگران نیز هست.

ماده ۵۹۴ - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجاری اشتغال دارند تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده می شود که خود را بامقررات یکی از شرکت های مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الانتیت به شرکت های مختلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکت ها مصوب خرد ادماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد.

ماده ۵۹۵ - هرگاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تاشیش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیت دار مهلت کافی اضافی داده شود مشروط براین که در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده ۵۹۶ - تاریخ اجرای ماده ۱۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود.

ماده ۵۹۷ - شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظارتی مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الهر صاحب سهامی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقی که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده اند مدیر تصفیه هرورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند و الام مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهد شد.

ماده ۶۰۰ - قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو ۱۳۰۳ دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷ قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۷۰ قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می شود.